



حوا

فصل نامه علمی-فرهنگی انجمن اسلامی
دانشجویان دانشگاه الزهراء(س)
سال سوم/شماره نهم/بهار ۱۳۹۹

**"THE GIRL HE LEFT BEHIND"
IS STILL BEHIND HIM**

She's a **WOW**
WOMAN ORDNANCE WORKER

انجمن اسلامی

حوا اولین فصلنامه علمی-فرهنگی
دانشگاه الزهرا(س) در حوزه ی زنان و
خانواده



صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهرا(س) عضو اتحادیه انجمن های
اسلامی دفتر تحکیم وحدت

مدیر مسئول: ام البنین وکیل زاده
سر دبیر: فاطمه شاملو جانی بیک

نویسندگان: مرضیه انبری، فاطمه شاملو جانی بیک،
بهار سعیدی، زهرا فتاحی، الهام آقا بابایی، مهسا
ابراهیمی لای، ام البنین وکیل زاده، فرناز نجفی معمار،
مائده نیساری، پرینا تیموری، زهرا غنی آبادی، زهرا
ملکوتی پور

استاد مشاور: دکتر الهام شریعتی

ویراستار: فاطمه پیران
صفحه آرا: مرضیه انبری

با تشکر از سرکار خانم وزیری که ما را در
انتشار این شماره از نشریه همراهی کردند.

تلگرام: havvamag@
anjomanzahra@

اینستاگرام: anjoman_islami_alzahra@
تلفن: ۰۹۰۳۹۶۹۳۴۹۷



فهرست مطالب

سخن سردیبر:

ما هم میتوانیم ۵

سرویس جامعه شناسی:

ساعت وحشت ۶

سهم زنان ۸

چتر کوتاه حمایتی بیمه بر سر زنان کارگر ۹

ابزار دست یقه سفید ها ۱۱

این روزا مدها! ۱۳

سرویس فقهی-حقوقی:

ازدواج و قراردادهای مالی آن ۱۴

سرویس روان شناسی:

کرونا و افزایش اختلافات خانوادگی ۱۵

شاید مادر خوبی نیستم ۱۸

حواس من سه دنگ اینجا سه دنگ آن جا ۲۰

سرویس فرهنگی:

زنان قهرمان ۲۱

ابراز وجود و جرات مندی در زنان ۲۳

زنان کوچک، زنان بزرگ ۲۴

خانم مدیر عامل ۲۶

حال و روز سینمای ایران پس از انقلاب ۲۸

سرویس خبری:

طرح تسهیل خروج بانوان نخبه از کشور در صورت مخالفت

همسر ۲۹

زنان در مدیریت دولت ها ۳۱

رهبران زن جهان در کرونا ۳۲

درخشش بانوان در فوتسال ۳۴

سخن سردبیر:

ما هم میتوانیم



فatemeh شمس چنانچ یک

سال های زیادی از زمان هبوط بشر بر روی زمین میگذرد. زنان و مردان زیادی به دنیا آمده و رفته اند و هریک جهانی را ساخته که الهام بخش نسل های بعد از خودش شده است. در این بین، زنان زیادی بودند که دست به انقلاب های خیلی بزرگ زدند و یا شوق مبارزه را بیدار کردند. زنانی که یک و تنها پرچم مبارزه را به دست گرفته و زره صبر و مقاومت بر تن کرده و به جنگ با تبعیض های جنسیتی زمان خود رفتند. منشا تحولاتی شدند که موجب آسایش نسل های پس از خود شد. اما گاهی این چرخه از حرکتش می ایستد. درست زمانی که انسانی به علت جنسیتش، جنسیتی که مایه ننگ مردان خانواده میباشد، ذبح میشود. شاید اگر در طول زمان، آموزش و آگاهی از نقش های جنسیتی و

همچنین برابری به معنای درستش تبیین میشد دیگر شاهد بریده شدن شاخه گل سرخ توسط داس بد دلی نبودیم. مسئله ای که امروز گریبان گیر جامعه ماست، تجمع بیش از حد خشم و نفرت ناشی از این نگاه سلطه طلبانه ست. نگاهی که خود را مالک و صاحب جنس به اصطلاح پایین تر از خودش میداند و میخواهد شرافتش را حفظ کند و این مثلا ناموسش را نجات دهد. گل های زیادی پر میشوند و فریادهای بلندی جهت احقاق حق شان کشیده میشود اما پاسخی که میشنویم: هیس، فریاد نکشید. کیان خانواده باید حفظ شود حتی اگر بهایش زنده ماندن یک قاتل باشد.

امروزه با توجه به مدرن شدن جوامع و تحول بنیادین در نگرش مردم، اوضاع زنان اندکی نسبت به گذشته بهتر شده و خواهد شد زیرا نسل های متفاوت و جدیدی ظهور خواهند کرد خیل کثیری از آنها، پذیرای کلیشه های سنتی و پاسخ های تکراری نخواهند بود و اینبار به جای تبعیت صرف از تفاسیر قدیمی و گذشتگان قرن های مرده، خود به کشف حقیقت میپردازند. اتفاقات و تحولات دوران، موجب تغییر بسیاری از نظرات بی پایه و اساس میشود. عقایدی که حول سکسیت و نگرش مردسالارانه طی زمان های متمادی، به جامعه زنان تحمیل گشته است که حتی امروزه هم نتایج این تلقینات جنسیتی غلط

را میبینیم. بروز مشکلات و توانایی زنان در رفع آن تایید کننده قدرت رهبری آنان است، همین طور که موفقیت ورزشی یا پیشرفت علمی زنان، مویید عدم تفاوت زنان در کسب موفقیت و پیروزی با مردان است. همین طور نشان میدهد تمامی کسانی که اظهار میکردند زنان در درجه ضعف نسبت به مردان قرار دارند در اشتباه محض بوده و صرفا تحت تاثیر احساس غلط خود به زنان و جایگاهی که میتوانستند کسب کنند، بوده است. انتظار میرود باتوجه به تغییر کردن جوامع و سبک زندگی افراد، علوم انسانی نیز به تجدید نظر اساسی در حوزه نظریاتش نسبت به زنان بپردازد و همین طور شاهد قوانین فقهی مطابق به نیاز روز بشر مدرن درباره زنان باشیم نه تکرار قواعدی که به جهت زمانی و مکانی، سنخیتی با حال ندارند و امیدواریم شاهد تصویب قوانینی باشیم که جلادان فرزند کش با اطلاع از مجازات رفتارشان، درصدد کنترل و عدم انجام آن دربیایند نه اینکه محرکه ای برای رفتار شنیع شان باشد.

ساعت وحشت!



مریم انباری

مغز کوچک
بشر هر روز
جنایت‌های
جدیدی را برای
سیاه‌تر کردن

کره‌ی خاکی ابداع می‌کند و از اصحاب ژورنالیسم اجتماعی و صاحبان غول‌های پروپاگاندا دست‌میزاد می‌گیرد و جوهرهای قرمز و سیاه و مشکی را برای بازگو کردن حادثه به رقص بر تارنماها و جراید فرا می‌خواند. جنایاتی که هیچگاه فرصتی جز برای بازگو کردن مآووقع آن نداشته‌ایم تا از آن ساعت شوم وقوع حادثه عقب‌گرد کنیم و بیرسیم اصلاً جهان ما را چه شده‌است که این فاجعه را هم باید به سرگذشت خود اضافه کند!

ماجرای سعید حنایی و مرد خانواده‌دار مهربانی که هیچگاه معلوم نشد چرا آن اعمال شنیع را با زنان مشهودی به نام مبارزه با فساد انجام داده‌است و ما فقط در خاطر داریم که همسرش و فرزندش گفتند او مرد خوبی بود! و جنایات دیگری با نام‌های افراد حقیقی مختلف که فقط یک نام از آن‌ها در خاطر ما باقی ماند: آتنا اصلانی، ستایش قریشی، آمنه بهرامی و ... ما هرگز از آن چه در روزها و سال‌های پیش از وقوع جنایت اتفاق افتاد باخبر نشدیم چون سیاستمداران، عربده‌کشان، برای جا نماندن از رقبای خود سهمی برای ابراز وجود حقایق اجتماعی تلخ باقی نگذاشتند.

آخرین نامی هم که چند روز خوراک رسانه‌ها بود و سپس در عصر پرهیاهوی ما کمتر از یک هفته به دست فراموشی سپرده شد رومینا اشرفی بود. او کشته شد توسط پدری که مشخص نیست چه چیزی توانسته او

را داس به دست کند. البته چند روز بعد هم مادری دو فرزند خود را کشت و در روزها و سال‌های آینده هم احتمالاً والدین دیگری فرزند کشی می‌کنند ولی آن چه مسلم است این است که در ساعت وحشت کسی به مکافات آن فکر نمی‌کند که قصاص است یا حبس اما این باعث نمی‌شود با عدم تدوین مجازات‌های بازدارنده تراژدی گل‌های بی‌سر و پژمرده را تلخ‌تر کنیم. بر اساس برداشت‌هایی که حقوق‌دانان تا کنون از متون فقهی داشته‌اند مجازات کشتن فرزند توسط پدر شامل اعدام نمی‌شود مگر اینکه در حالت محاربه دست به

قتل فرزند خود بزند اما دست توانای قانون‌گذاران برای تعیین تعزیر مناسب باز بوده است تا در نبود قصاص، همچنان مجازات نقش بازدارندگی ایفا کند. البته اگر پیش از هر چیزی دست سیاستمداران از کرسی قضاوت کوتاه شود. دست همان کسانی که جرایم موجب بگیر را اجیر خواسته‌های خود می‌کنند تا قتل میترا استاد در حمام خانه‌اش را تراژدی بنامند و قتل رومینا اشرفی را جنایت و همواره به خاطر سبدهای رای خود هر چه سنگ بوده بر سر راه حقوق‌دانان قرار دهند.

باید یادآوری کرد که مدت‌ها پیش برای مجازات جرم اسید پاشی که ممکن بود منجر به فوت قربانی شود بحث و جدل‌های بسیاری شد و حبس تعزیری از ۱۰ سال به ۳۰ سال افزایش پیدا کرد اما در زمان نگارش قانون مدنظر هر چه اصرار شد بر اینکه قتل به شیوه‌های فجیع دیگر نیز مثل مثله کردن و ... هم شامل این مجازات شود راه به جایی نبرد و اصحاب خانه‌ی ملت اصرار داشتند که فقط پیرامون اسید پاشی قانون‌گذاری شود! و در نقش سوپرمن‌های وقت‌شناس مبارز با مشکلات روز ظاهر شدند. ولی اکنون بعد از جنایت فجیع دیگری کاسه‌ی چه کنم دست گرفته‌اند و نه راه رجوع به قصاص جهت بازدارندگی از این جرم باز است و نه مجازات بالای ۱۰ سال حبس و این احساسات عمومی است که هر بار باید با دیدن این فجایع شرحه شرحه شود و هر روز با جنایت‌کارانی روبرو شود که سزای واقعی جنایت خود را هنوز نچشیده‌اند.



سهم زنان

بررسی اشتغال زنان در ایران



زمانی بود که جوامع هنوز آماده پذیرش نیم زیادی از نیروهای جامعه که زنان بودند، نبود. اما باتوجه به پیچیده شدن جوامع و مشاغل دیگر نمی توان سهم بزرگی از اقتصاد را که می تواند توسط زنان اداره شود نادیده گرفت و به همان کلیشه های سنتی اکتفا کرد. وقتی به بررسی آمار اشتغال زنان ایرانی می پردازیم متوجه شعاری بودن حرف های گذشته می شویم. شعارهایی که به بهانه حمایت از زنان سر داده شد اما در همان مرحله حرف ماند و جلوتر نرفت.

گزارش اتاق بازرگانی تهران درباره ی شاخص های اشتغال به تفکیک جنسیت قابل توجه است:

اتاق بازرگانی تهران در جدیدترین گزارش خود به بررسی شاخص های نیروی کار زنان و مردان استان تهران در پاییز سال ۱۳۹۸ پرداخته که براین اساس نرخ بیکاری زنان ۱۵ تا ۲۴ ساله در استان تهران بیش از ۴۵ درصد است.

براساس اطلاعات ارائه شده در این گزارش نرخ بیکاری مردان ۱۵ تا ۲۴ ساله در استان تهران ۱۷ درصد بوده است و نرخ بیکاری زنان قرار گرفته در این بازه سنی در سراسر کشور حدودا ۳۸ درصد اعلام شده است. طبق برآوردهای صورت گرفته بیش از ۷۱ درصد زنان شاغل در استان تهران در بخش خصوصی فعال هستند و این آمار برای مردان ۸۴ درصد اعلام شده است.

در استان تهران بیش از ۷۶ درصد از زنان و ۶۳ درصد از مردان در بخش خدمات مشغول به کار هستند. برآوردها نشان می دهد، سهم شاغلان بیشتر از ۱۵ سال که در هفته بیش از ۴۹ ساعت کار می کنند در میان زنان کل کشور ۱۳ و در زنان استان تهران ۲۰ درصد بوده است.

همین طور به گزارش مرکز آمار ایران نرخ بیکاری در جمعیت زنان فعال تقریبا دو برابر مردان و نرخ اشتغال نزدیک به یک پنجم مردان می باشد.

مرکز آمار ایران در گزارشی نرخ بیکاری در زمستان ۹۸ را ۱۰.۶ درصد اعلام کرد. این نرخ پیش از شیوع کووید ۱۹ در ایران محاسبه شده است. گزارش مذکور اما به رغم عدم انطباق با آنچه واقعیت بازار کار در ایران عنوان می شود، نابرابری های ریشه دار در دسترسی به بازار کار را عیان می کند. در این گزارش نرخ بیکاری در جمعیت زنان فعال تقریبا دو برابر مردان و نرخ اشتغال نزدیک به یک پنجم مردان است. همچنین استان های کردستان و کرمانشاه

سرویس جامعه شناسی:

به همین دلیل وقتی به کشورهای پیشرفته جهان نگاه کنیم خواهیم دید که یکی از دلایل پیشرفت و توسعه یافتگی کشورها استفاده همه جانبه از تمامی نیروهای کشور است. نمی توان نیمی از جمعیت کارآمد کشور را که بخش عظیمی از آنها تحصیل کرده و دارای تخصص هستند را نادیده گرفت.

امیدواریم روزی فرا برسد که عینک تعصب و جنسیت زدگی از پیش چشمان مسئولین کشور برداشته شود و به زنان به مثابه یک انسان بنگرند نه مجرمی خطرناک که محکوم به حبس ابد در خانه است.



بالاترین نرخ بیکاری و استان سیستان و بلوچستان کمترین نرخ اشتغال و مشارکت اقتصادی را دارند.

گزارش مرکز آمار ایران از تغییرات نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را ۴۲,۲ درصد (با ۱,۱ درصد کاهش نسبت به زمستان ۹۸) اعلام کرده است. تفکیک جنسیتی نرخ مشارکت اقتصادی مردان با ۶۹,۴ درصد و زنان با تنها ۱۵,۳ درصد نشان از نابرابری فاحش و شکاف عمیق جنسیتی در بازار کار ایران دارد.

به همین نسبت نرخ اشتغال نیز با ۰,۴ درصد کاهش نسبت به زمان مشابه برای مردان ۶۳ درصد (بدون تغییر) و برای زنان با کاهش ۰,۶ درصدی، ۱۲,۷ درصد اعلام شده است. نرخ بیکاری نیز که در کشور ۱۰,۶ درصد اعلام شده در جمعیت مردان فعال به ۹,۲ درصد و در زنان به ۱۷,۲ درصد رسیده است.

شکاف جنسیتی حاکم در سهم جمعیت فارغ التحصیلان آموزش عالی از کل بیکاران نیز مشهود است. مرکز آمار ایران سهم جمعیت بیکار فارغ التحصیل آموزش عالی از کل بیکاران را با ۱,۴ افزایش نسبت به زمستان ۹۷، ۳۹ درصد اعلام کرده است. ۶۹,۱ درصد از کل زنان بیکار را فارغ التحصیلان آموزش عالی شکل می دهند که رقمی بسیار چشمگیر است. فارغ التحصیلان مرد نیز ۲۶,۶ درصد از کل جمعیت مردان بیکار را تشکیل می دهند.

نکته قابل توجه این که بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، از کل جمعیت زنان شاغل ۴۳,۷ درصد آنها تحصیلات عالی دارند. در جمعیت مردان شاغل اما این رقم ۲۱,۴ درصد و رقم کلی سهم جمعیت شاغل فارغ التحصیل آموزش عالی از کل شاغلان ۲۵,۱ گزارش شده است. تبعیض و نابرابری در دسترسی به بازار کار ایران اما تنها به نابرابری جنسیتی محدود نمی شود.

کردستان صدرنشین نرخ بیکاری

نتایج منتشر شده از بررسی نرخ مشارکت اقتصادی همچنین خبر از نرخ مشارکت بیشتر در به نقاط روستایی نسبت به نقاط شهری دارد. نرخ مشارکت اقتصادی نقاط شهری ۴۱,۴ درصد با ۱,۳ درصد کاهش و نقاط روستایی ۴۴,۶ درصد با ۰,۸ کاهش اعلام شده اند.

توزیع استانی بیکاری نرخ بیکاری در مناطق غربی و به ویژه کردستان را بالاتر از میانگین کشوری نشان می دهد. در استان کردستان نرخ بیکاری نزدیک به دو برابر میانگین کشوری (۲۰ درصد) است. نرخ بیکاری در کرمانشاه ۱۷,۹ درصد و لرستان ۱۶,۸ درصد گزارش شده است. در استان آذربایجان غربی هم نرخ بیکاری ۱۴,۵ درصد گزارش شده است. از سوی دیگر استان سیستان و بلوچستان با ۳۲,۱ درصد پایین ترین نرخ اشتغال در کشور را دارد و نرخ مشارکت این استان نیز که ۳۶,۲ گزارش شده است، کمترین نرخ مشارکت کشوریست.

در گزارش مرکز آمار همچنین بخش خدمات با ۵۲,۷ درصد بیشترین سهم اشتغال را به خود اختصاص داده است. در مراتب بعدی، بخشهای صنعت با ۳۱,۷ و کشاورزی با ۱۶,۶ درصد قرار دارند.



چتر کوتاه حمایتی بیمه بر سر زنان

بررسی نارسایی های حمایتی
بیمه در خصوص زنان کارگر

سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند».

سهم زنان از بیمه شدگی اجباری یا همان اشتغال رسمی در بخش خصوصی، بین سال های ۱۳۸۵ تا کنون افزایش داشته است؛ این سهم در طول بیش از ده سال، از ۱۲ درصد به بیش از ۲۰ درصد رسیده است؛ البته علاوه بر افزایش نرخ مشارکت رسمی زنان در اقتصاد، عامل دیگری که باعث بالا رفتن سهم زنان از پوشش تأمین اجتماعی شده، بیمه هایی است که مختص زنان تعریف شده است؛ طی سال های ۸۵ تا ۹۵ برخی انواع بیمه ها تنها برای زنان ایجاد شده است؛ در سال ۱۳۸۸ بیمه زنان خانه دار و در سال ۱۳۹۰ بیمه های زنان سرپرست خانوار و مربیان مهد های کودک، تحت پوشش بیمه مشاغل آزاد قرار گرفت که تا پایان سال ۹۵،

این بیمه شدگان حدود ۱۰ درصد از بیمه شدگان زن را تشکیل می دهند.

یکی دیگر از دلایل افزایش درصد نسبی زنان در گستره جمعیتی تحت

پوشش بیمه، بیمه شدگان خاص هستند که درصد بالایی

زنان بسیاری ناگزیرند برای بقای حیات خود و اعضای خانواده شان کار کنند؛ برخی از بانوان تأمین کننده درآمد خانوار هستند. حال آنان برای امرار معاش می توانند دستفروش کنار خیابان یا مترو و... باشند. نمی توان

از اشتغال این زن ها جلوگیری کرد اما باید راهکارهایی برای «غیر رسمی زدایی» و حمایت از آنها در دستور کار قرار گیرد. با ممانعت از اشتغال این افراد باید ناگزیر به پذیرش پیامدهای این نوع اشتغال به صورت آسیب های اجتماعی مختلف باشیم. باید پذیرفت وقتی فرصت شغلی و درآمد بهتری وجود نداشته باشد، این قبیل مشاغل شکل می گیرند.

زنان شاغل در اقتصاد غیررسمی که طیف گسترده ای از زنان را در بر می گیرد، به دلایل مختلف از چتر حمایتی بیمه خارج هستند؛ این زنان هر کدام دشواری های خاص خود را تجربه می کنند و به دلایل خاص خود از مستمری بازنشستگی، از کارافتادگی، دفترچه درمانی و دیگر حمایت های بیمه ای محروم هستند. این در حالی است که اصل ۲۹ قانون اساسی به صراحت تمام می گوید: «برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و



بهار سعیدی

از آنها را زنان تشکیل می‌دهند. برای نمونه، بافندگان یکی از اقشار تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی هستند که زنان ۸۰ درصد بیمه‌شدگان را تشکیل می‌دهند.

زنان در اقتصاد غیررسمی

اما نگرانی اصلی بابت زنانی است که در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار هستند؛ این زنان نه جزو هیچ‌کدام از گروه‌های بیمه‌ای خاص هستند که دولت سهم کارفرما را برای آنان بپردازد و نه خودشان، توان پرداخت حق بیمه خویش‌فرما را دارند؛ این زنان به هیچ وجه شانس بیمه شدن ندارند. به گفته ابتکار در بهمن ماه ۹۷؛ گرچه میزان مشارکت اقتصادی بانوان حدود ۱۲ درصد است اما به نظر می‌رسد میزان اشتغال بانوان در بخش‌های مختلف، بیش از آمار رسمی است و اشتغال غیررسمی زنان بالا است. در اردیبهشت ۹۶، نیز علی ربیعی (وزیر وقت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) از آمار تقریبی اشتغال در بخش غیررسمی اقتصاد خبر داد و گفت: «حدود ۱۰ میلیون کارگر غیررسمی در کشور داریم که حتی دفترچه بیمه سلامت هم ندارند». طبق آمارهای رسمی، درحالی‌که ۱۹ درصد از کل کارگران کشور را زنان تشکیل می‌دهند، در بخش غیررسمی اقتصاد این آمار ۲۵ درصد است؛ یعنی ۲۵ درصد از کارگران غیررسمی را زنان تشکیل می‌دهند که اگر آمار ۱۰ میلیون نفری ارائه شده را مبنا قرار دهیم، متوجه می‌شویم، حدود ۲ میلیون زن در اقتصاد غیررسمی مشغول به کار و درآمدزایی هستند.

برای این ۲ میلیون نفر، که به دلیل اشتغال در اقتصاد غیررسمی هیچ‌کدام جزو بیمه‌شدگان اجباری سازمان تامین اجتماعی نیستند، تنها امکانی که برای برخورداری شدن از خدمات حمایتی وجود دارد، استفاده از بیمه‌ی خویش‌فرماست؛ با توجه به اینکه حق بیمه خویش‌فرما در سال‌های اخیر از رقم ۵۰۰ هزار تومان عبور کرده است، سوال اینجاست که چند درصد از این زنان، که غالباً سرپرست خانوار هم هستند، امکان پرداخت این مبلغ را به صورت ماهانه دارند؟

عدم امکان برخورداری از بیمه بیکاری

بیمه بیکاری به بیمه شده‌ای پرداخت می‌شود که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده به کار باشد. طبق ماده ۲ قانون بیمه بیکاری، غیر ارادی بودن بیکاری مالک اصلی استفاده از حمایت‌های قانونی برای بیمه‌شدگان بیکار است. اما همه کارگرانی که برخلاف میل خود از کار کنار گذاشته شده‌اند از حمایت مالی برخوردار نمی‌شوند. فقط کارگرانی مشمول دریافت بیمه بیکاری می‌شوند که حداقل ۶ ماه سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند. با قراردادهای موقت برای دوره‌های محدود زمانی و عدم تمایل کارفرمایان به پرداخت بیمه و حتی عقد قرارداد

و اتمام دوره قرارداد پیمانکار در کمتر از یک سال، اغلب کارگران نمی‌توانند تحت پوشش بیمه‌ای قرار بگیرند اصول معافیت کارگاه‌های با کمتر از ۵ و ۱۰ نفر نیروی کار از اجرای برخی از مواد قانون کار و نبود یک شیوه‌نظارتی سبب می‌شود که شاغلین این کارگاه‌ها (غالباً زنان) مشمول دریافت بیمه بیکاری نشوند. در فاصله سالهای ۸۸ تا ۹۴ در حدود ۴۳۹ هزار زن کار خود را از دست داده‌اند، و حتی اگر ۵۰ درصد این گروه از زنان به میل خود به خانه بازگشته باشند، تعداد دریافت کنندگان بیمه بیکاری می‌توانست رقمی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر باشد. اما به دلیل فقدان پوشش کامل بیمه‌ای برای زنان کارگر و دارا نبودن شرایط دریافت بیمه بیکاری، فقط ۴۵ هزار نفر از زنان کارگر در سال ۹۴ از کمک‌های مالی بیمه بیکاری برخوردار شده‌اند.

زنان بسیاری مجبور شده‌اند برای امرار معاش پا به خیابان، راهروهای مترو، کارگاه‌های زیرپله و غیررسمی و یا محیط‌های کار خانگی بگذارند و فقط امروز را بدون امید به فردا، با دستمزدی کمتر از حداقل دستمزد قانونی سرکنند. این زنان هم از اشتغال رسمی و ایمن محرومند و هم از حمایت‌های اجتماعی بیمه؛ بسیاری از این زنان خودشان نیز نمی‌دانند که برخورداری از «بیمه» براساس قانون اساسی یک «حق شهروندی» است.



ابزار دست یقه سفیدها استفاده ی ابزاری از زنان در تبلیغات مختلف

جامعه خود و تمام دنیا عرضه کنند، زیرا جامعه پذیری اجتماعی گاه بدون دلیل واضحی در زمان و مکانی مشخص برخی اعمال را زنانه و برخی را مردانه تعریف کرده بود. و در این میان فرشته ی نجات این تاجران بزرگ ظهور کرد تا به آن ها آموزش بدهد شما باید تولید کنید و در عین حال تعیین کنید که محصولات شما را مردم بدون دلیل و برهان قطعی بخرند.

ادوارد جیمز برنایز، که در تاراج اندیشه های مرتبط با ذهن ناهشیار و کشف دایمی خود یعنی فروید و به خدمت گرفتن آن ها در اقتصاد موفق شده بود مجلات آکنده از تبلیغات جذاب را منتشر می کرد. وی پدر روابط عمومی و بنیان گزار پروپاگاندا است. او به توصیه ی مشاوران خود ترتیبی داد تا تعدادی از زنان جذاب و شیک پوش در جشنواره عید پاک ۱۹۹۱ در نیویورک در حال کشیدن سیگار از محل شخصی عبور کنند و تصاویر این زنان در سراسر ایالات متحده ی آمریکا منتشر شد. او این عقیده را رواج داد که زنان با سیگار که نماد قدرت مردانه است

ملاکین، تاجران، کارخانه داران و ... همان یقه سفید هایی هستند که سرنوشت یقه آبی ها را در دست دارند و همواره این طبقه را یک پله عقب تر از حقیقت نگاه می دارند تا وابستگی یک طرفه را حفظ نمایند، برای آن ها هیچ کسی و هیچ چیزی جز خزانه های انباشته از ثروت مهم نیست و اگر دستی فوق ابزاری از مافوق الطبیعه برای کنترل آن ها نباشد حریمی باقی نخواهند گذاشت.

تولید کنندگان سیگار در ایالات متحده ی آمریکا تجارت موفق داشتند. در چند دهه ی قبل هنوز مسجل نبود که سیگار برای بدن مضراتی دارد و در همین ایران خودمان هم حتی شخصیت های تماما مذهبی سیگار را چاره ی تشفی خاطر می دانستند. اما این برای تولید کنندگان کافی نبود. وقتی می توان سیگار را به تمام جهان عرضه کرد نباید به نیمی از آن راضی بود. بلکه آن ها نمی توانستند این استوانه ی نازک سفید را به زنان محترم

مرضیه انبری



حضور داشته باشند یا در نوردیدگان خیالی سقف شیشه ای و موقعیت موهوم هستند یا در هایپرمارکت های بی انتها مشغول تایید کردن صحبت های فروشندگان و خرید های بی انتها از محصولات هستند که یک دانه از آن هم کافی است. تا دوباره به خانه های بی عیب و نقش خود بازگردند و برای جمعیت محدود خانه نامحدود آشپزی کنند و شام و ناهار را یک جا سر سفره قرار دهند و چهار نفره گرد میزی بنشینند که محتویات آن قادر به سیر کردن تمامی اهالی پشت صحنه است.

زنان ایرانی که همچنان خانه قلمروی حکومت و محل تاثیر گذاری آن ها است قرار نیست به مثابه ی زنان غربی سبد خرید نیمی از اجتماع را تعیین کنند، بلکه قرار است با تاثیری که روی اعضای خانواده در اثر قدرت نرم مادری که طی سال های متمادی حفظ کرده اند سبد خرید کل اجتماع را تشکیل دهند. و آن چه آینه ی جادو به زنانی که معمولاً در خانه وقت زیادی را با تلویزیون سپری می کنند ارائه می دهد همجنسان مصرف گرای او هستند که در رفاه کامل، زیبایی بی نقص و عاری از هرگونه مشکل گذران وقت می کنند و از او می خواهند شهادت دهد این همه مصرف در شرایطی که اقتصاد کشور روزهای دشواری را سپری می کند لازم و طبیعی است.

شاید در این میان فلان شرکت خودرو ساز یا فلات شکلات داخلی یا شرکت گوشتی های هوشمند از زنانی با جذابیت های ظاهری و تناسب اندام خارق العاده استفاده کند تا برخلاف مردان که عادت به چنگ زدن دارند محصولات ایشان را زنان نوازش کنند و آرایش های غلیظ و لباس های تنگ را با محصول مورد نظر ست کنند ولی آنچه خطرناک تر این استفاده ی جنسی متعفن است همان تبلیغ مصرف گرایی و تجمل گرایی بی حد و حصر در رسانه ای است که طبقه ی مستضعف مخاطب آن می باشند.

مشعل آزادی و فمینسم حقیقی را در به دست آورده اند. او مثل سابقه ی پیشین خود یک بار دیگر موفق شد مردم و اینبار مخصوصاً زنان را وادار به خرید کالایی کند که به آن احتیاج فوری نداشتند و شاید هرگز هم نیاز پیدا نمی کردند ولی تولید کنندگان سیگار را به کامیابی رساند.

در گذر زمان در تبلیغات غربی با همین علت غایی نهان از زنان استفاده های بسیاری شد تا نیمی از جامعه به دنبال کالا ها و خدماتی بروند که خود هم دلیل مشخصی برای دنبال کردند آن ندارند. در واقع همان طور که گافمن عقیده داشت این نمایش هایی که تبلیغات نام دارند و آیین خاصی را نشان می دهند مخاطب را اقناع و وادار می سازند تا شهادت دهند واقعا چنین است.

زمانی که از استفاده ی ابزاری از زنان در تبلیغات صحبت می کنیم شاید جذابیت های بدنی اولین چیزی باشد که به ذهن متبادر میشود و صنعت پورنوگرافی نمونه ی موفق استفاده از زنان شناخته شود. اما اگر درباره ی کشور خود صحبت کنیم شرایط متفاوت است به واسطه ی قوانین و مقررات عمومی که از اندیشه های اسلامی وام گرفته اند چنین کاری غیر ممکن است و قوانین مرتبط با تبلیغات در صدا و سیما مصوب ۱۳۸۶ نیز بحث حجاب و استفاده ی مربوط از زنان در تبلیغات را یادآور می شود. اما این قوانین نمی توانند در جدال با طبیعت تبلیغات توفیق یابند.

ما در تلویزیون ایران به خاطر مشکلات مالی که سال هاست گریبان گیر صدا و سیما شده است مدت های ممتد را صرف دیدن تبلیغات مختلف می کنیم آن هم در بین برنامه های محبوبمان. اما ما تماشاگر چه چیزی هستیم؟

ما زنان متعددی را می بینیم که حجاب از نوع البسه را تمام و کمال رعایت کرده اند و در چهره ی های بسته ی آن ها رد لیفت، لمینت، کامپوزیت، جراحی گونه، جراحی بینی، لنز های رنگی چشم را می بینیم. و کمترین تداعی از زنان ایرانی که هر روز در کوچه و خیابان رویت می کنیم را در ذهن ما ندارند، گویی کسانی هستند که از سرزمین چشم رنگی های بی عیب و نقص به خدمت تبلیغات درآمده اند و سیمای یک فرد معمولی ایرانی برایشان به قدر سیمای یک توریست غریبه است. آن ها در خانه های بی عیب و نقص مشغول قدم زدن هستند و تمام ابزار تکنولوژی و ... را در جهت انجام وظیفه ی سنتی خود در دسترس دارند و اگر در محیطی جز خانه هم

این روزا مُده!

مدگرایی به روش امروزی



جمله ای که به طرز کنایه آمیزی این روز ها بین مردم خصوصاً جوانان رواج یافته و یا بهتر بگوییم، مد شده! اما مُد چیست؟

«مد»ها الگوهای فرهنگی ای

هستند که توسط بخشی از جامعه، پذیرفته می شوند و دارای یک دوره‌ی زمانی نسبتاً کوتاه اند سپس فراموش می شوند. بنابراین، «مدگرایی» آن است که فرد، سبک لباس پوشیدن و طرز زندگی و رفتار خود را طبق آخرین الگوها تنظیم کند و به محض آن که الگوی جدیدی در جامعه رواج یافت، از آن یکی پیروی نماید.

مد به صورت فصلی و در بعضی برندها به صورت هفتگی تغییر می کند. تقاضا برای تغییر و همراهی با مد، رو به افزایش است و به همین دلیل مصرف تولیدات ارزان قیمت با کیفیت پایین یا به اصطلاح «فست فشن» رو به رشد است. در واقع می توان گفت زمینه‌ی دامن زنی به عرصه‌ی مد، از تقاضا نشأت می گیرد. تقاضایی که خود تصویری از تفکرات افراد می باشد. هر کسی در تلاش است عقاید و تفکرات خود را به سایرین نشان دهد یکی از راه های عملی کردن این موضوع ظاهر افراد است. این که بتوانید با رفتار و پوشاک خود، قبل از صحبت کردن، تصویری از خود برای سایرین بسازید. در واقع از این مسیر ارتباطات راحت تر می شود.

مد و مدگرایی پدیده‌ای است که کمابیش در میان همه اقشار جامعه وجود دارد، اما در این میان، دختران و زنان بیش از دیگران به مد اهمیت می دهند و مدگرا هستند. که با اندکی تفکر کاملاً منطقی به نظر می رسد. دختر جوانی که به تازگی به اهمیت اندیشیدن و تصمیم گیری پی برده و سعی دارد در جامعه از خود یک شخصیت به نام بسازد. این قشر بی شک از هر ابزاری برای نشان دادن رشد خود استفاده می کند. پس در اولین قدم ها به ظاهر خود می رسد. سعی می کند از خودش وجهه ای مثبت بسازد. اما یک نوجوان چه تعریفی از وجهه‌ی مثبت دارد؟

یک روز مانتوهای بلند و روز دیگر مانتوهای کوتاه، یک روز آرایش موی سر به سبک آلمانی و روز دیگر موهای بلند و اصلاح نشده، زمانی شلوارهای با پاچه‌ی گشاد که روی زمین کشیده می شود، و زمانی دیگر، شلوارهای تنگ و کوتاه، مد می شوند. اگر از این همه افرادی که عادت کرده اند رفتار و نوع و سبک لباسشان را طبق آخرین مدهای رایج تنظیم کنند، برسید که به چه علت این کار را کرده اند، یا مثلاً این آرم و کلمه‌ی روی لباس آنها

چه کارکردی دارد، به سختی بتوان پاسخ متقاعد کننده ای شنید، جز آن که: خب قشنگه! مده! همه‌ی همسن هایم همین جوری می پوشند!

این پاسخ ها گرچه سطحی به نظر می رسند، اما در یک تحلیل روان شناختی نشان دهنده‌ی نوعی از «تعلق گروهی»، «نوجویی»، «تنوع طلبی» و گرایش جوانان به «امروزی شدن» است و کاملاً یک پدیده‌ی طبیعی و نا به هنجار در جهت ارضای این نیازها محسوب می شود.

در واقع می توان یک دختر جوان را به یک دفتر سفید مقایسه کرد. دفتری که نوشتن در آن راحت و پاک کردن آن نوشته ها، دشوار است. پس باید دقت کرد که چه افکار و عقایدی وارد این دفتر می شود. این جوان از راهی باید به وجهه‌ی مطلوب خود برسد. این راه می تواند محیط اطراف جوان باشد و یا رسانه های مختلف اینترنتی و نمایشی در واقع شبکه های تلویزیونی، مطبوعات و پایگاه های فعال اینترنتی، انواع مدهای جدید را تبلیغ می کنند و از این طریق، زمینه را برای گرایش خانواده ها به سوی مدهای نو مهیا می سازند. از طرف دیگر جمع دوستان یک شخص، نمونه ای از جامعه‌ی کوچک، هر چند درست یا غلط، را برای شخص به نمایش می گذارد و جوان برای به اصلاح امروزی شدنش شروع به الگو برداری از دوستانش می کند. هرچند درست و یا غلط!

متأسفانه در برخی خانواده ها، آموزش جوانان و نوجوانان به عهده‌ی خود فرد گذاشته می شود و باعث می شود گروهی که افکار خود را از طریق مد انتشار می دهند و در این راستا از هر روشی استفاده می کنند، بتوانند افکار خود را بین جامعه پخش کنند. به خصوص در جامعه‌ی اسلامی ایران که مورد تهاجم کشور های به اصطلاح مدرنیته می باشد. مدی که حتی می توان گفت به صورت جداگانه برای کشور هایی مانند ایران برنامه ریزی شده است.

در یک نگاه کلی، اسلام با همه نوع مد، مخالف نیست. اسلام، امروزی شدن و نوگرایی در سبک و شیوه‌ی لباس پوشیدن را نیز به صورت کلی پذیرفته است. آنچه اسلام با آن مخالف است، پشت پا زدن به ارزش ها (مثل: پوشش شرعی، پرهیز از اسراف، و ...)، رعایت نکردن اخلاق اجتماعی، آزادی مطلق در روابط دختر و پسر، و همانند سازی با بیگانگان است.

حال اگر این پدیده های انحرافی در قالب مد به خود جوانان داده شوند و میل فطری «نوگرایی» و نیاز «امروز شدن» به لجن زار انحرافات سوق یابد، اسلام با آن مخالف است.

در نتیجه می توان با برنامه ریزی صحیح و آموزش مادران جامعه که اولین معلم های هر فردی هستند، از روایح یافتن مد های اشتباه و رفتار های زننده بین افراد جامعه جلوگیری کرد.

ازدواج و قراردادهای مالی آن

بررسی روابط مالی زوجین پس از ازدواج

بر اساس شرع مقدس اسلام و همچنین

قانون، حلال ترین ارتباط میان زن و مرد، ازدواج است (حال چه بصورت موقت انجام شود یا بصورت دائم). در هر نوع از ازدواج (موقت یا دائم) تکالیفی بر عهده زوجین قرار داده شده است. این تکالیف در ازدواج دائم، به مراتب سنگین تر و بیشتر از ازدواج موقت است. در ازدواج دائم، زوجة مکلف به تمکین از شوهر است (به صورت عام و خاص). در عین حال نیز شوهر هم در قبال زوجة دارای وظایفی از قبیل حسن معاشرت با همسر، تامین مخارج خانواده، پرداخت مهریه و دادن نفقه است. بر اساس ماده ۱۱۰۶ قانون مدنی، در عقد نکاح دائم نفقه زن بر عهده شوهر است و زن می تواند در صورت عدم دریافت نفقه از طرُق مدنی (تنظیم شکایت نامه) نفقه را از شوهر مطالبه کند و در صورت عدم تمکین از شوهرش، استحقاق دریافت نفقه را نخواهد داشت.

ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی مصادیق نفقه را بصورت تمثیلی بیان کرده است. از ماده ی مذکور و آرا صادره از دادگاه های خانواده و آرا وحدت رویه دیوان عالی کشور می توان استنتاج کرد که کیفیت نفقه باید متناسب با وضعیت زن باشد.

استقلال مالی زن از شوهر (بررسی ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی)

بر خلاف حقوق برخی از کشورهای اروپایی، در حقوق ایران با ازدواج اموال زوجین مشترک نمی شود و هر یک از زن و مرد در زمینه اموالشان مستقل از یکدیگر هستند. زوجة می تواند در اموال خود، چه جهیزیه و چه غیر از آن، آزادانه تصرف کند و زوج حق هیچ مداخله ای در اموال زوجة ندارد (ریاست بر خانواده به او چنین اجازه ای نمی دهد). ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی چنین مقرر کرده است: «(زن می تواند مستقلا در دارایی خود هر تصرفی که می خواهد بکند)».

بر اساس ماده مذکور، کار اقتصادی زن و درآمد حاصل از آن نیز جزو اموال زن به حساب می آید و او مجبور نیست درآمد حاصل از کارش را بطور رایگان در اختیار شوهر قرار دهد. او حتی می تواند بابت کارهایی که در منزل شوهر و به دستور او انجام می دهد از شوهر حق الزحمه مطالبه کند و شوهر نیز مکلف به پرداخت آن است مگر اینکه زن به قصد تبرع (بصورت رایگان) آن کارها را انجام داده باشد. علاوه بر قانون مدنی، قانون جدید حمایت از خانواده (مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱)، در ماده ۳۰ قاعده ای مطرح کرده است که اصل استقلال مالی زن را بازتعریف می کند. برابر این ماده: «(در مواردی که زوجة در دادگاه اثبات کند که به امر زوج یا اذن وی از مال خود برای مخارج متعارف که بر عهده زوج است هزینه کرده و زوج نتواند تبرع زوجة را اثبات کند، زوجة می تواند معادل آن را از زوج دریافت نماید)».

بر اساس ماده مذکور می توان با استناد به قاعده استیفا از عمل غیر که در ماده ۳۳۸ قانون مدنی از آن یاد شده است و با موارد مذکور انطباق دارد، زوجة می تواند حق الزحمه و معادل قید شده در ماده ۳۰ قانون جدید حمایت از خانواده را از زوج دریافت کند.



سرویس فقهی-حقوقی:

کرونا و افزایش اختلافات خانوادگی

اختلافات خانوادگی در پی شیوع ویروس کرونا
افزایش چشم گیری یافته است، چرا و راه حل
چیست؟

افزایش اختلافات خانوادگی در
زمان قرنطینه چندان نیاز به مقدمه
راجع به مشکل این روز ها نیست
چرا که همه ما در هر طبقه و گروه
اجتماعی با این معضل یعنی ویروس
کوئید ۱۹ درگیر هستیم.



با یک جستجوی ساده در اینترنت و پایگاه های مختلف
اطلاعاتی می توانیم هر آن چه که درباره این ویروس
باید بدانیم را بیابیم اما مسئله ای که در این متن به آن
می پردازیم، پیامد های این ویروس است.
اگر فرد متعهدی باشیم این روز ها باید در قرنطینه
خانگی به سر ببریم و آن چه که مشخص است مشکلاتی
است که در پی این ماجرا ایجاد می شود از جمله این
مشکلات می توان به افزایش اختلافات خانوادگی اشاره
کرد که در این نوشتار به آن می پردازیم.
اگر شما هم با این مشکل و پیامد شیوع ویروس کوئید
۱۹ درگیر هستید بدانید که تنها نیستید
این اختلافات خانوادگی نه تنها در خانه شما بلکه در
سراسر جهان مشکلی اساسی است به گونه ای که آمار
طلاق در چین رو به افزایش است.

در کشور خودمان نیز در دوران قرنطینه، ساعات تماس
زوج ها و مدت زمان تعامل آنها با یکدیگر بیشتر است
و اختلافات زناشویی افزایش می یابد. شرایط خاص کرونا
موجب شده تا روزانه چهار هزار تماس با صدای مشاور
بهبیستی کشور از ساعت هشت صبح گرفته شود. الگوی
رفتاری اضطراب کودکان ناشی از شرایط کرونا با بزرگسالان
متفاوت است و خود را در قالب بیش رفتاری و رفتارهای
تکانشی نشان می دهد که ممکن است خانواده ها آن را
نشناسند و آستانه تاب آوری و تحمل کم داشته باشند و
منجر به درگیری در خانه شود، بهبودی استانی همدان
از افزایش ۲۰ درصدی تماس های زوجین با صدای مشاور
بهبیستی، در رابطه با اختلافات زناشویی نسبت به ماه
گذشته خبر داد. بنابراین اختلافات خانوادگی و افزایش آن
در این روزها مسئله عجیبی نیست.

این مسئله را می توان از دیدگاه های اقتصادی، روان
شناختی، اجتماعی مورد بررسی قرار داد: مهم ترین مشکل
این روزها برای اکثریت خانواده ها ایجاد محدودیت ورود و
خروج از منزل است.

اما سوالی که این جا مطرح می شود این است که
تکلیف خانواده هایی با درآمد روزمزد چه گونه است؟

سرویس روان شناسی :



زمانی که زنان نیز باید این فشار را تحمل کنند، تنش‌ها و اختلافات رو به افزایش می‌گذارد.

از زمانی که انسان توسط عوامل بیرونی از انجام کاری منع می‌شود به صورتی فطری تمایل به انجام این کار افزایش می‌یابد، در شرایط کنونی حتی افرادی از خانواده که شاغل نیستند و الزامی جهت بیرون رفتن از منزل ندارند با توجه به این نکته و صلب تلویحی اختیار آنان احساس پریشانی می‌کنند و از این بابت فشار روانی در افراد افزایش می‌یابد.

کودکان نیز انرژی خود را با فعالیت‌هایی در خارج از منزل تخلیه می‌کنند و بیش‌تر زمان خود را در خانه به استراحت و تماشای تلویزیون و از این دست کارها می‌پردازند؛ اما به دلیل بحران کنونی و تهدید سلامت کودکان بیرون آوردن آنان برای تامین اوقات فراغتشان تقریباً غیر ممکن است بنابراین کودکان بیش‌تر از قبل به سرکشی در خانه پرداخته و با توجه به نکاتی که ذکر شد تحمل افراد خانواده کاهش محسوسی پیدا کرده و اختلافات به شدت افزایش می‌یابد. در ادامه بحث خشونت خانگی مطرح می‌شود:

می‌توان گفت زنان در این مسئله آسیب‌پذیر از مردان هستند اما نمی‌توان گفت که کدام‌یک در این برهه به لحاظ روانی و اجتماعی فشار بیش‌تری را تحمل می‌کنند. پیش از زنان و مردان، این کودکان هستند که شاید آسیب‌پذیرترین قشر از لحاظ روانی هستند، چرا که این اولین بار است که با موضوع بیماری و آگیردار به شکل جدی آن رو به رو می‌شوند و هضم این مقدار از استرس و اضطراب برایشان بسیار سخت است. آنان راه‌چاره مدیریت درست را در این زمان نمی‌دانند از سویی نیز بزرگسالان و مراقبان

شرایط اقتصادی خیلی از افراد جامعه به شکلی است که اشاره کردیم. با توجه به بحران‌های اقتصادی چند وقت اخیر می‌توان مهم‌ترین مشکل و دغدغه اصلی افراد را شرایط اقتصادی تلقی کرد و این امر باعث ایجاد تنش، اضطراب، استرس و ترس از آینده می‌شود به صورت کلی خانواده‌ها به خصوص خانواده‌هایی که تک سرپرست هستند و به عنوان مثال فقط پدر خانواده تامین‌کننده معاش خانواده است این اضطراب و فشار باعث بروز اختلافات می‌شود.

از منظر روان‌شناختی بررسی این مسئله بسیار مورد توجه است، کلیشه‌های جنسیتی به خصوص در کشور ما و به طور کل در جهان به این شکل است که از مردان تصویری تحت عنوان یک فرد که عمده زمان خود را مشغول به کار و تامین‌کننده معاش خانواده است تصویر می‌شود، بنابراین زمانی که مردان به خاطر این شرایط مجبور به خانه نشینی هستند احساس بی‌مصرفی کرده و این باعث می‌شود مردان در این شرایط در کشورهایی با فرهنگ و دیدگاه‌هایی مشابه کشور ما از لحاظ روحی تحت فشار قرار گیرند. بسیاری از نیازهای ارتباطی مردان در خلال ارتباطات شغلی شان شکل گرفته و تامین می‌شود و همین مسئله‌ی به ظاهر جزئی به صورت مداوم نقش عظیمی در کاهش تنش‌های میان فردی ایفا می‌کند.

در مورد زنان نیز، آن‌ها زمان بیش‌تری را نسبت به مردان در منزل گذرانده و کمی راحت‌تر با این شرایط سازگار می‌شوند اما از طرفی خانم‌ها پایگاه‌های ارتباطی خود را از طریق جامعه و ارتباط با اقوام و دوستان خود تامین می‌کنند و این نقش به سزایی در تامین امنیت روانی زنان و کاهش استرس و اضطراب آنان دارد. بنابراین

کودک نیز فشار و نگرانی خود را به شکل ناخودآگاه به فرزندانشان منتقل می‌کنند.

تمام مواردی که ذکر کردیم به خصوص صلب امکان کار کردن باعث می‌شود ذهن افراد به دنبال مشغولیت جدید بگردد. زمانی که فرد مشغول به کار است تا حد زیادی از نظر ذهنی با کارش درگیر است و این عامل مهمی است که باعث می‌شود فرد زمان کم تری برای پرداختن به مسائل دیگر مانند اختلافات، روابط و موضوعاتی از این دست داشته باشد. همین طور زمانی که فرد مشغول به کار است گذران زمان را کم تر متوجه می‌شود.

همه این موارد به خصوص مورد آخر باعث می‌شود فرد به طور ناخودآگاه به دنبال مسئله ای باشد که ذهن او را به خود مشغول کند؛ و از این جهت نسبت به موضوعات جزئی که در زمانی پیش از این دوران شاید چندان جلب توجهی نمی‌کردند توجه خاص نشان دهد و ساعات زیادی را صرف تفکر به مسائلی از این دست تر در زندگی خود بکند.

به عنوان مثال در ابتدا اشاره کردیم که آمار طلاق پس از اتمام دوران قرنطینه در چین رو به افزایش گذاشته است، چرا که زوج ها زمان بیش تری را در کنار هم می‌گذراندند و نسبت به مسائلی که قبلا برایشان اهمیت چندان نداشت حساس تر برخورد می‌کنند.

آنان مسائل جزئی و پیش پا افتاده خودشان را یا مسائلی که شاید چندان جزئی هم نبوده اما به دلیل داشتن مشغله زمانی را برای پرداختن به آن نداشته یا شاید حوصله اش را نداشتند الان واضح تر از قبل می‌بینند و زمان بیش تری را به تفکر عمیق تر راجب مسائلشان می‌پردازند البته این که از این فرصت در جهت بازنگری کردن نسبت به روابط، مشکلات و به طور کلی سبک زندگی خودمان استفاده نکنیم و راجب مسائل گفت و گو کنیم و سعی در حل مشکلات از طریق درست آن داشته باشیم امر مثبتی است، اما اگر این مسئله منجر به دامن زدن به اختلافات گذشته و پیدا شدن اختلافات جدید شود، در نتیجه باعث افزایش اختلافات در خانه و میان زوجین می‌شود. تا حدی که افراد به این باور می‌رسند که، زندگی با این فرد غیر ممکن است. در صورتی که افراد باید این نکته را نظر بگیرند که شرایط سختی است و فشار های ناشی از این شرایط نیز در شکل گیری چنین باوری بی تاثیر نیست. مورد دیگری که اهمیت به سزایی در ایجاد تنش های روحی در افراد دارد، دریافت اخبار متناقض است. این که افراد عمدتا در چندین کانال خبری عضو شده و هر دقیقه اخبار را چک می‌کنند. مسئله ای که اتفاق می‌افتد این است که شما اخبار و آمار را ناقص دریافت می‌کنید و این امر باعث آشفتگی ذهنی شما می‌شود و اعتماد خود را به اخبار از دست می‌دهند. از سویی شما با وجود این که به این اخبار اعتماد چندان نداشتید باز هم به دریافت این اخبار ادامه می‌دهید.

دنبال کردن بیش از اندازه اخبار راجب مسائل روز زمانی که از حد متوسطش فراتر برود باعث ایجاد تنش می‌شود

که بخش عظیمی از این تنش در ناخودآگاه رخ داده بنابراین شما بدون این که آگاه باشید هرروزه در معرض اخبار متناقض از رسانه های مختلف قرار می‌گیرید و دچار تنش های روحی بیش تری می‌شوید.

بعد دیگر این آشفتگی ها مربوط به این مسئله است که هیچ کس زمان اتمام این بحران را نمی‌داند و این موضوع باعث برانگیخته شدن احساس نا امنی در انسان می‌شود. این که شما در یک بحران قرار بگیرید و زمان اتمام آن را ندانید به مراتب سخت تر از زمانی است که شما زمان آن را بدانید. به طور کلی این حس باعث برانگیخته شدن احساس ترس و تنهایی در فرد می‌شود.

بیش ترین و مهم ترین هدف از نگارش این مقاله این است که شما بدانید که در تجربه ی این احساسات در این روز های سخت تنها نیستید و آگاه باشید که بیش تر افراد جامعه این روز ها احساس های مشابه شما را دارند.

در ادامه به ارائه راه حل هایی در این خصوص می‌پردازیم:

”این روز ها زمان بیش تری در اختیار داریم و می‌توانم به کارهایی که تا الان به آن نپرداخته ایم یا زمان آن را نداشتیم بپردازیم” این جمله تکراری و کلیشه این روز هاست اما اگر کمی در آن دقیق شوید متوجه می‌شوید که پر بیراه نیست. یک کار از میان هزاران کار مورد علاقه تان را که ترجیحا جنبه تفریحی داشته را انتخاب کرده و ساعت مشخصی از روزتان را به آن بپردازید.

اگر به مسائلی در ارتباطات میان فردی تان برخورد می‌کنید و آن را لاینحل می‌یابید آن را بنویسید و راجب آن به گفتگوی منطقی و بالغانه بپردازید و در جهت حل منطقی مشکل حرکت کنید و در نظر بگیرید که الان و این زمان همه ما احوال خوبی نداریم.

بازی کنید: شاید به نظر شما بازی کردن کار لوس و بچه گانه ای باشد اما درگیر شدن در بازی باعث می‌شود که شما گذر زمان را متوجه نشوید و تمام ذهن شما درگیر زمان حال و بازی باشد و از این طریق تا حدی از افکار منفی دور می‌شوید.

بنویسید: اگر احساس منفی به شما دست می‌دهد بنویسد نوشتن باعث می‌شود شما دید کلی تر و واضح تری نسبت به احساس خود پیدا کنید بسیاری از مواقع شما احساسات و مشکلاتی را غیر قابل حل می‌دانید اما زمانی که آن را می‌نویسید به نظرتان قابل حل و کوچک می‌آید.

فیلم و سریال و مستند ببینید : به سراغ آرشیو فیلم و سریال مورد علاقه تان بروید و با خانواده به تماشای آن بنشینید.

و در آخر این که، برای داشتن حال خوب تلاش کنید. شاید هیچ چیزی به اندازه داشتن حال خوب و روحیه مثبت در این روز ها اهمیت نداشته باشد و البته که دست یابی به این حال خوب در این روزهای سخت طبعاً کار سختی است اما شما نا امید نشوید و تلاش کنید و هر زمان که نا امید شدید بدانید که شما تنها نیستید و آگاه باشید که هیچ سختی تا ابد پایدار نیست.

شاید مادر خوبی نیستم...

تربیت فرزند به نحو احسن، دغدغه اکثر مادران است. اما آیا مادران شاغل از پس این کار برمی آیند؟



امیر البین وکیل زاده

با وجود پیشرفت بشر در زمینه های مختلف هنوز در جوامع مختلف شاهد کلیشه های جنسیتی و باورهای غلط در مورد جنسیت هستیم. یکی از این باورهای نادرست تحت فشار قرار دادن مادران شاغل به دلیل وجود همین کلیشه های ذهنی حاکم بر جامعه است. از گذشته تصور عموم بر این بوده است که کودکان زنان شاغل به دلیل مشغله های کاری مادران شان، عشق، توجه و مراقبت کافی را دریافت نمی کنند. با گذشت زمان و رو آوردن زنان بیشتری به سمت شاغل شدن، این مسئله بیش از پیش پررنگ شد که آیا واقعا شاغل بودن زنان به تربیت فرزند لطمه می زند؟ در سختی برقراری تعادل میان امور مربوط به فرزند پروری و شغل خود شکی نیست، اما آیا مادرائی که شاغل هستند و نمی توانند آنطور که مایلند برای کودک خود وقت بذارند، واقعا باید نگران آینده ی فرزند خود باشند؟ به نقل از روزنامه دنیای اقتصاد در سال ۲۰۱۵ پروژه تحقیقاتی عظیمی در مورد اثر شاغل بودن مادران بر شادی فرزندان کلید خورد و در آن از اطلاعات چندین پژوهش بین المللی استفاده شد. این پژوهش ها، در مجموع، بیش از ۱۰۰ هزار شرکت کننده زن و مرد از ۲۹ کشور مختلف دنیا داشتند. در نهایت تحقیقات پروفیسور کتلین مک گین، استاد دانشکده ی تجارت دانشگاه هاروارد، نشان داد شاغل بودن مادران هیچ تأثیری روی شادی فرزندان ندارد. هم دختران و هم پسران مادران شاغل، در دوران کودکی و بزرگسالی انسان های شادی هستند و در اغلب موارد، شاغل بودن مادر برای آنها تأثیرات مثبتی روی آنها دارد. نتایج این تحقیق نشان داد لزومی ندارد مادران شاغل احساس گناه کنند و نسبت به خود تردید داشته باشند، چرا که فرزندان آنها نه تنها از شادی و موفقیت محروم نمی شوند، بلکه از بسیاری جهات، نسبت به سایرین برتری هایی دارند.

به طور مثال دختران مادران شاغل در شغل خود موفق ترند و اغلب درآمد بیشتری دارند. تحقیقات کتلین

مک گین نشان داده، دختران مادران شاغل اغلب درآمد سالیانه ی بیشتری دارند، احتمال بیشتری وجود دارد که استخدام شوند و اغلب در پست های ناظر و سرپرست به کار گرفته می شوند. در مجموع، دختران مادران شاغل سالانه ۱،۸۸۰ دلار بیشتر از دختران زنان خانه دار درآمد دارند. این تحقیق همچنین نشان داده تجربه ی زندگی متفاوت زنان شاغل این حقیقت ساده را به دختران شان یاد می دهد که شغل خود و کار فرزند پروری را می توان با موفقیت با یکدیگر پیش برد.

پسران مادران شاغل نیز زمان بیشتری را صرف رسیدگی به خانواده ی خود می کنند. از آنجایی که از گذشته مردان عموماً شاغل بوده اند، پژوهش ها نشان داده شاغل بودن مادر تأثیر چندانی روی کار مردان ندارد. اما داشتن مادر شاغل باعث می شود مردان حمایت بیشتری از همسران خود داشته باشند. طبق

این تحقیق،

چنین

مردانی،

اغلب، در هفته

۵۰ دقیقه بیشتر را

صرف کمک به

همسر و رسیدگی

به اعضای خانواده ی

خود می کنند.

همان طور که

اشاره شد اشتغال زنان

به عنوان یک پدیده

اجتماعی بر تربیت کودکان

آنها تأثیر می گذارد. در صورتی

که شغل مادر از جایگاه اجتماعی،

موقعیت فرهنگی و احساس روانی

خوب برخوردار باشد می تواند منجر

به افزایش احساس ارزشمندی و عزت

نفس در کودکان شود. همچنین

هم پسران و هم دختران مادران

شاغل، تمایل بیشتری برای داشتن نگرش برابر خواهانه‌ای در زندگی خانوادگی و اجتماعی خود دارند و این گرایش در آن‌ها وجود دارد که از کلیشه‌های جنسیتی خودداری کنند. پسران مادران شاغل، اغلب، زنان شاغل را به عنوان همسر خود انتخاب می‌کنند و در محل کار هم با زنان رفتار تبعیض آمیزی ندارند.

دختران مادران شاغل هم نسبت به کودکان شان احساس گناه نمی‌کنند، چون درک درستی از شرایط کودکان زنان شاغل دارند و می‌دانند که برقراری تعادل بین شغل خود و امور مربوط به فرزند پروری، کار غیر ممکن نیست.

یکی دیگر از مزیت‌های یک مادر شاغل نسبت به یک مادر خانه دار افزایش میزان استقلال و مسئولیت پذیری او و

فرزندانش است. یک مادر شاغل و مستقل می‌تواند در نقش الگو به کودکان یادآوری کند که آنها می‌توانند روی پای خودشان بایستند. همچنین کودکانی که مادران شاغل دارند، حداقل بخشی از روز را با بزرگسالانی به غیر از والدینشان می‌گذرانند. این جدایی اگر به میزان مناسب باشد، در واقع می‌تواند احساس خود اتکایی را در کودک پرورش دهد که سبب

افزایش میزان اعتماد به نفس کودک می‌شود.

همچنین مادران شاغل نوجوانانی مسئولیت پذیر و مستقل تربیت می‌کنند. در پژوهشی دریافتند که نوجوانان دارای مادران شاغل در مقایسه با نوجوانی که مادران آنها خانه دار هستند، از احساس خود ارزشمندی، سازگاری، تعلق خاطر به خانواده و حمایت اجتماعی بیشتری برخوردار هستند. همچنین طی تحقیقاتی این نتیجه حاصل شد که اشتغال مادر تاثیر مثبتی روی سازگاری فرزند دارد.

همان طور که در بالا گفته شد اثر اشتغال مادر برروی فرزندان دختر بیشتر است به صورتی که دختران بیشتر از پسران از داشتن یک مادر شاغل بهره می‌برند. دختران مادران شاغل نسبت به دختران مادران خانه دار از خود بسندگی اجتماعی و پیشرفت تحصیلی بهتری برخوردارند و تمایل بیشتری به کار کردن دارند. همچنین فرزندان مادرانی که در رده های شغلی فرهنگی-مدیریتی هستند بهترین عملکرد تحصیلی را دارند.

در نتیجه فرزندان زنان شاغل به همان اندازه‌ی فرزندان زنان خانه دار، کودکان شادی هستند و حتی در اغلب موارد، این کودکان، در بزرگسالی به انسان‌های موفق تری تبدیل می‌شوند پس با توجه به این مسئله بهتر است جامعه ما نیز کلیشه ها و باورهای نادرست جنسیتی را به دور انداخته و به مادران این فضا را بدهد که در صورت تمایل شاغل باشند. همچنین جامعه و مسئولان با نگاه غلط خود در مورد نادرست بودن شاغل بودن مادران، از وظایف خود نسبت به مادران شاغل چشم‌پوشند و برعکس تمام قوای خویش را به کار گیرند تا مادری که علاقمند به حضور در اجتماع است هر چه سریع‌تر به جامعه بازگردد و حمایت کافی را برای جبران زمان بارداری، زایمان و شیردهی برای برگشت به سطح قبلی تحصیل، کار و رده و موقعیت خود احساس کند. باشد که شاهد شکوفایی زنان سرزمین مان باشیم.



حواس من، سه دنگ اینجا سه دنگ اونجا

چندکاری در زنان، توانایی ای غریزی یا مهارتی اکتسابی در اثر فشار اجتماعی؟



کنار هم چیدن اطلاعات از منابع و با فرمتهای مختلف پیدا خواهند کرد.

البته پیشنهاد می شود کارهایی که باید با دقت بالایی انجام شود را به صورت تکی انجام دهید. چندکاری باعث می شود توجه و کارکردهای شناختی تقسیم شود و در نتیجه کیفیت کار پایین می آید. پس برای کارهایی که از حساسیت کمتری برخوردارند می توان از چند کاری استفاده کرد. مثال: هنگام غذا پختن به موسیقی یا فایل صوتی یک کتاب گوش کرد، به هر حال در دنیای مدرن وقت طالست!

درکل نتیجه می گیریم به دست آوردن این قابلیت چه داوطلبانه چه بر اثر اجبار مزایایی هم دارد و یک قایلیت با ارزش محسوب می شود، چه زنانه باشد چه برای هر دو جنس.



بیشتر اوقات چندکاری یعنی انجام همزمان چندکار به معنی واقعی آن اصلا وجود خارجی ندارد. یعنی ما تنها توهم چندکاری را داریم و کاری که عملا انجام می شود این است که به سرعت از

کاری به کار دیگر پرش می کنیم و این کار را به فرکانس بالایی انجام می دهیم. به عبارت دیگر خیلی وقت ها چندکاری به معنی واقعی آن، اعمال شدنی نیست. مثال شمایی که هم سریال می بینید و هم وبگردی می کنید، به دفعات میزان توجه خود را به صفحه مانیتور و صفحه تلویزیون را کم و زیاد می کنید و نمی توانید در آن واحد به هر دو رسانه توجه کنید.

مغز انسان نمی تواند در یک زمان دو یا چند کار را همزمان انجام دهد؛ خصوصا اگر دو کار مشابه هم باشند بر سر استفاده از یک قسمت مشترکی از مغز رقابت پیش می آید و همین مسئله چند کاری را بسیار دشوار می کند. اما مغز انسان توانایی رفتن از یک فعالیت به فعالیت دیگر در کسری از ثانیه را دارد و همین باعث می شود آدم ها فکر کنند که در حال انجام همزمان چند کار هستند. در حالی که ذهن هر پروژه را در زمان جداگانه ای انجام می دهد. مقایسه چند کاری در زنان و مردان چند کاری معمول قابلیت زنانه در نظر گرفته می شود. اما اخیرا نتایج یک پژوهش نشان داده که زنان در این زمینه فرقی با مردان ندارند.

زنان، مخصوصا آن هایی که فرزند دارند، ناچارند در طول روز چندین کار مختلف را انجام دهند، به طور مثال به کارهای خانه برسند، بیرون از خانه کار کنند، مراقب فرزندشان باشند، غذا بپزند و ... که همین امر باعث شده جامعه زنان را ذاتا دارای مهارت چند کاری بداند.

اما این پژوهش نشان می دهد که مغز زنان در چندکاری و تغییر از یک کار به کار دیگر توانایی یکسانی با مردان دارد و این توانایی در هر دو جنس به صورت یکسان وجود دارد. چند کاری در زنان این مهارت نیز مثل تمام مهارت های دیگر با تمرین و تکرار تقویت می شود. به این خاطر که اغلب زنان جامعه علاوه بر مسئولیت های اجتماعی، بار کارهای خانه و مراقبت و تربیت فرزند را به دوش می کشند این قابلیت در آنها حتی بیشتر از مردان تقویت می شود. و اما به دست آوردن این قابلیت خالی از لطف نیست و کسانی که در انجام دادن چند فعالیت همزمان توانایی پیدا کرده اند، مهارت بهتری در ادغام و

زنان قهرمان

چرا زنان قهرمان داستان‌ها و افسانه‌ها نمی‌شوند؟

چرا در اغلب این افسانه‌ها شخصیت دخترچه یا زن داستان در حد شخصیت باقی می‌ماند و هیچگاه تبدیل به قهرمان نمی‌شود؟



لگویی به این اشاره دارد که اولین ابزاری که انسان ساخته ابزار شکار نبوده است، بلکه توپره و کیسه جمع‌آوری غذا بوده. او معتقد است که آدم‌ها پیش از شکار، همگی غذا جمع‌کن‌هایی بوده‌اند که به شکل روزانه به این کار می‌پرداختند و البته این مهم را زنان انجام می‌دادند. زنان به دنبال جمع‌کردن میوه‌ها و دانه‌ها رفته و آن‌ها را در توپره به غارها می‌آوردند. لگویی معتقد است که هر شب در غارها داستان‌هایی که گفته می‌شد داستان دانه جمع‌کنی زنان بوده است. چیزی شبیه این: «اول یک گردو پیدا کردم، بعد یک بادام پیدا کردم، بعد چند تا زالالک چیدم، چند تا پرنده دیدم، خوشحال شدم، یک بادام دهان بچم گذاشتم، یک مار دیدم، کمی آبتنی کردم و به خانه برگشتم.»

این گونه داستان‌ها که همواره در سیکل کارهای روزانه تعریف می‌شده و لگویی معتقد است که پیوندی عمیق با طبیعت یک زن دارد؛ داستان‌های دایره‌وار و بی‌حادثه و تنها شرح حالات و احساسات آن روز آن زن بوده است.

در این نوع نگاه، طبیعت خود یک زن است چون خلق می‌کند و آفرینشش حرکتی دوار دارد، مدام در سیکل فصل‌ها و چرخش‌های خواب و بیداری طبیعت، تکرار می‌شود. انسان مونث نیز موجودی است که در این سیکل‌ها زیست می‌کند (چرخه قاعدگی، زایمان، روایتگری جزییات بازگشت پذیر روزانه و غیره) زنان غذا می‌آورند، زنان بچه‌داری می‌کنند، زنان قصه می‌گویند و مردها که نه مشغول بچه و نه مشغول دانه جمع‌کردن بوده‌اند گاهی به شکار می‌روند.

شکار رفتن امری روزمره نیست، یک حادثه و یک رویداد است، پر از ماجراست، پر از تعقیب و گریز و کشمکش است، برنده و بازنده دارد و هیجان‌انگیز است و به سرعت تبدیل به داستان غالب نوع بشر می‌شود، تا جایی که بر دیواره غارها تصویرگری شده و ثبت و ضبط می‌شود. به این ترتیب است که داستان‌های زنان کم‌کم به حاشیه رانده می‌شود و تا به امروز آنچه از داستان‌ها می‌دانیم و آنچه برای ما به جا مانده است داستان‌های مردان هستند.

سرویس فرهنگ و هنر :



چرا قرن هاست زنان نویسنده داستان های مردانه می نویسند؟ چرا در روایت های شفاهی اقوام نیز حتی آنجا که شخصیت اصلی ماجرا یک زن است، نگاه راوی مردانه است؟ چرا در داستان های ما زن، آن زنی است که مردان و جامعه مردسالارانه می پسندند؟

سیندرلا و سفیدبرفی و زیبایی خفته و سایر کاراکترهای جهانی شده این چنینی، پرنسس ها و ملکه ها یا دختران فقیری که ثروتمند می شوند در داستان های خودشان با آمدن یک مرد، کامل می شوند.

زن در این داستان ها وظیفه دارد که پیش از هر چیز زیبا باشد و بعد داستان را تا جایی پیش ببرد که مرد داستان وارد شده و آن را تکمیل کند و البته این تکامل، اغلب ازدواج با مرد داستان است. زن در داستان های جدیدتر، اغلب در حد شخصیت داستانی باقی می ماند و تبدیل به قهرمان نمی شود.

زنان قدرتمند در فیلم های کودکان کجا هستند؟ برای دهه ها زنان در فیلم ها پشت سر رهبرهای مرد پنهان شده اند و همه شبیه باربی هستند. در سومین کنفرانس سالانه زنان و رهبری نشریه نیوزویک در سال جاری، جینا دیویس، بازیگر زن در مورد آخرین یافته های مؤسسه خود در مورد جنسیت در رسانه ها صحبت کرد، که برای کاهش کلیشه های جنسیتی در رسانه ها با هدف بچه های زیر ۱۱ سال پایه گذاری شد.

تحقیقات دیویس نشان می دهد که برای هر شخصیت زن در یک فیلم کودکان، سه شخصیت مرد وجود دارد. تقریباً ۲۵ درصد از شخصیت های زن در لباس های سکسی، تنگ، جذاب، (معمولاً با برهنگی در ناحیه سینه و بالای ران) نشان داده می شوند. شایع ترین شغل آنها سلطنتی بودن است و آرزوهای آنها تقریباً منحصراً در یافتن رابطه عاشقانه محدود است.

در افسانه ها و داستان های نواحی ایران نیز این نکته به چشم می خورد. ساختار خطی مردانه، زیبایی شناسی مردانه، لحن مردانه و پایان بندی مردانه در بسیاری از این داستان های فولکلور نمود دارد. کاراکتر زن در این روایت ها لزوماً زیبا توصیف می شود یا زشتی است که زیبا می شود و همواره در پیوند با عشق یک مرد تکامل می یابد و خوشبخت می شود. ماه پیشونی، دختر دال، دختر انار، گل خندان و بسیاری از این نمونه ها که دختران در انتظار مردی که بیاید و جادوی آنها را از بین ببرد، نشسته اند.

اما به گمانم زمانش رسیده است تا هر زنی که داستان می نویسد و هر مادر یا مربی ای که داستانی را برای کودکی تعریف می کند کمی به کلیشه های جنسیتی و جبر تاریخ آگاه تر باشد

ابراز وجود و جرات مندی در زنان



«کارول گیلیگان (۱۹۸۲)، پیشگام

تحقیقات روانشناسی درباره زنان معتقد است که زنان معمولاً خودشان را بر مبنای توانایی مراقبت از دیگران تعریف و ارزیابی می کنند. از نظر روانشناختی ((اخلاق مراقبت از دیگران))

زنان را به سوی حفظ روابط میان فردی سوق می دهد. بدین ترتیب، اگر هویت ما تا حد زیادی براساس موفقیت های مان در مراقبت از دیگران و حفظ روابط تعریف شود، این احساس را در ما ایجاد می کند که تلاش برای حفظ روابط در واقع تلاش برای حفظ هویت مان است. علاوه بر این، دختران از همان اوایل کودکی به حمایت و مراقبت از دیگران تشویق می شوند، در نتیجه، به احساسات و نیازهای دیگران بیشتر از احساسات و نیازهای خودشان توجه Theory Relational_Cultural می کنند.

دکتر بیکر میلر مطابق با نظریه گیلیگان معتقد است، که روابط از طریق عوامل اجتماعی شکل می گیرند و انسان ها از طریق رابطه با نام دارد، (Theory Relational_Cultural) دیگران رشد می کنند. نظریه میلر، که نظریه فرهنگی ارتباطی

این باور غالب را که استقلال و خودمختاری مرتبط با جنسیت مردانه است، به چالش می کشد، زیرا استقلال و خودمختاری دو ملاک مهم سلامت روان هستند. میلر براساس انتظارات اجتماعی بیان می کند که زنان معمولاً به تمرکز بر هیجانات و واکنش های دیگران تشویق می شوند که این امر مانع از شناخت و ابراز هیجانات خود می شود.

بخش هایی از کتاب، صفحه ۶۷

کتاب ابراز وجود و جرات مندی در زنان نوشته خانم دکتر جولی دی آزودوهنکس ترجمه خانم زهرا آزادفر است که توسط نشر لگا به چاپ رسیده است. این کتاب به بررسی رفتار جرات مندانه در زنان می پردازد، اینکه جرات مند شدن یعنی پذیریم متفاوتیم و با وجود تفاوت هایمان احساسات مان را صادقانه ابراز کنیم.

زنان اغلب از سوی مردان و به طور کلی جامعه متهم به احساساتی بودن می شوند و متأسفانه از این رفتار به عنوان یک خصیصه منفی نام برده می شود. حال آنکه همه انسان ها از احساسات برخوردار هستند و اتفاقاً اگر سعی در کتمان و پنهان سازی و یا عدم ابراز آن شود، فرد در روابطش به مشکل برمی خورد.

یکی از راهکارهای ارائه شده در این کتاب، آشنایی با انواع سبک های دلبستگی و الگوی روابط خود برای شناسایی و

مدیریت هیجانات و کسب مهارت هایی برای رسیدن به خودآگاهی می توان در رابطه با دیگران احساس راحتی بیشتری کرد.

جرات مندی شامل پنج مهارت و پنج اثر مثبت است:

(۱) خود بازتابی: شناخت سبک دلبستگی، میزان تمایز و الگوهای ارتباطی خود. پیامد آن درک الگوهای ارتباطی گذشته و فعلی و تأثیر آنها بر مهارت جرات مندی است. (۲) خود آگاهی: آگاهی از احساسات، افکار، نیازها و خواسته ها است که پیامد آن افزایش اعتماد به نفس در روابط است.

(۳) خود آرام سازی: توانایی مدیریت هیجانات، استفاده از مهارت هایی برای آرام سازی خود و واکنش مناسب به هیجانات. پیامد آن احساس آرامش و راحتی برای بیان قاطعانه عقاید است.

(۴) خود ابراز گری: توانایی ابراز احساسات، افکار، نیازها و خواسته های خود و تمایل به عمل کردن به آنها. پیامد آن کسب مهارت هایی برای ابراز خود است که منجر به ارتباط بهتر و عمیق تری با دیگران می شود.

(۵) گسترش خود: پذیرا بودن نسبت به عقاید دیگران و تفاوت های آن ها. پیامد آن احساس مهربانی و شفقت بیشتر نسبت به تجربیات دیگران است.

که در کتاب به صورت مفصل درباره هریک از این مهارت ها صحبت شده است.

به طور کلی، آنچه باعث آسیب پذیری زنان و عدم موفقیت شان در روابط مختلف می شود، فقدان جرات مندی کافی ست. زیرا زنان به علت باورهای غلط و کلیشه ای که درباره آنان وجود دارد اغلب برای قضاوت نشدن از ابراز عقیده و احساس خود خودداری می کنند. حال آنکه باید در نظر داشت، زنان در نوع انسان بودن تفاوتی با مردان ندارند و نباید از فریاد نظرات خود منع شوند



زنان کوچک زنان بزرگ

نگاهی به فیلم زنان کوچک



فیلم: زنان کوچک

کارگردان: گرتا گرویک

تهیه کننده: دنیس دی نووی، ایمی

پاسکال، رابین سویکرد و آرنان

میلشان

فیلمنامه نویس: گرتا گرویک (بر

اساس رمان زنان کوچک اثر لوییزا می اسکات)

بازیگران: سورشا رونان، اما واتسون، فلورنس پیو، الیزا

اسکانلن، تیموتی شالامی، مریل استریپ

جنبش‌هایی که به دنبال احقاق حقوق از دست رفته ی زنان بودند هیچگاه در طول تاریخ، دوره ی طلایی و فراگیری مثل آنچه در سالهای اخیر می گذرد تجربه نکرده اند؛ دورانی که حمایت از حقوق زنان و دستیابی به عدالت اجتماعی و برابری جنسیتی نه تنها به خوبی توسط رسانه ها فرهنگ سازی شده است بلکه دیگر مانند آنچه در قرن گذشته متداول بود تلاش برای رسیدن به برابری صرفا خواست زنان نیست و به یک مطالبه ی جمعی تبدیل شده است.

با یک نگاه اجمالی به آثار تولید شده در سینمای جهان می توان به راحتی چندین و چند اثر را در همین راستا یافت که مستقیما روی موضوع توانمندسازی زنان و برابری جنسی تمرکز کرده اند و از طرفی بسیاری از آثار دیگر را یافت که درباره ی جایگاه زنان در درونمایه ی فیلم، تجدید نظر کرده اند و از کلیشه های رایجی مثل زنان ضعیف و همواره در معرض خطر و در انتظار نجات داده شدن عبور کرده اند. اگرچه که نمونه های بد و شعاری هم در میان این آثار به چشم می خورد اما آنچنان بستر مناسبی محیا شده است که حتی کسی به نمونه های بد هم خورده نمی گیرد و متقابلا به آثار خوب بهای بیشتری می دهد.

در همین راستا و در این بستر مناسب گرتا گرویک با فراغ بال به سراغ یکی از محبوب ترین آثار با محوریت زنان رفته است یعنی رمان زنان کوچک نوشته ی لوییزا می اسکات که بارها و بارها در فیلم ها، انیمیشن ها و... به عنوان منبع اقتباس مورد استفاده قرار گرفته است. رمان زنان کوچک در واقع انباشتی از وقایع زندگی شخصی لوییزا می اسکات است و ریشه در تجربیات واقعی او در کنار سه خواهرش دارد و شخصیت جو که علاقه مند به نوشتن، جسور و بی باک و متنفر از محدودیت است در واقع به نوعی خود لوییزا می اسکات است.

او در دورانی متفاوت یا بهتر است بگوییم دنیایی متفاوت با آنچه امروز وجود دارد می زیسته او در دورانی به دنبال تساوی حقوق زنان می گشت که بردگان و سیاهان به

دنبال حق زندگی بودند و رفتارهایی که امروزه وظیفه ی مدنی تلقی می شود در آن دوران، بیشتر یاغی گری تعبیر می شد اما با این وجود نگاه تجدید نظرطلبانه اش را به وضوح می توان در میان صفحات کتاب هایش یافت او در جایی نوشته است: «برای مدت طولانی زنان را ملکه نامیده اند اما قلمروی آنها ارزش حکومت کردن نداشته است. شاید رمان لوییزا می اسکات به دلیل اتمسفر زمانی که در آن می زیسته آنچنان تند و تیز و دندان شکن به حقوق زنان نپرداخته باشد و به نوعی به بعضی اخلاقیات سنتی پایبند باشد و اقتباسات متعددی که از این اثر ساخته شده هم دارای فضای مشابهی باشند، اما گرتا گرویک هوشمندانه خود لوییزا می اسکات را به دل فیلمش آورده و با نمایش شرایطی که او کتابش را در آن نوشته هم زشتی ها و سختی های تبعیض جنسیتی را به تصویر کشیده هم پایان بندی تحمیل شده به نویسنده را که اثر را از یک تراژدی به یک پایان عامه پسند تغییر می دهد به مخاطب می شناساند. فیلم زنان کوچک صاحب نگاه تجدیدنظر طلبانه ای است که اگرچه برای جنگ به میدان نیامده است و رادیکال نیست اما در راستای فرهنگ سازی قدم های خوب و سنجیده ای بر می دارد.

فیلم زنان کوچک صاحب همان شوخی ها و لحظات بامزه و سرخوشانه ای است که در کتاب آمده و پر از لحظات دل انگیز و دراماتیکی است که یک به یک به زیبایی در اثر جا گرفته اند. فیلم با جهش های زمانی متعدد زوایای مختلف شخصیت هایش را به خوبی به معرض نمایش می گذارد و تفاوت های شخصیتی چهار خواهر را تا جای ممکن به مخاطب منتقل می کند فیلم در ترسیم اروپا و امریکای قرن هجدهمی دقت زیادی دارد و خطایی در طراحی لباس و صحنه ندارد.

در طول فیلم دوربین یوریک لو سو به خواست گرتا گرویک همواره با نماهایی نزدیک از شخصیت ها سعی دارد با تکیه بر دیالوگ فیلم را پیش ببرد که موفق هم عمل کرده است البته جای نماهای باز و چشم نواز در لحظاتی که پتانسیل احساس می شود نسبتا خالی است ولی موسیقی ساخته شده توسط الکساندر دسپلا به داد فیلم رسیده و از نقاط درخشان فیلم است که به خوبی بر تار و پود فیلم نشسته و حس برانگیز است.

فیلم با نمایش فداکاری های مگ (اما واتسون) در زندگی زناشویی در کنار همسر فقیرش و کمک به خواهرانش و همواره با وقار و زنانه بودن تصویری دقیق از شخصیت مگ ارائه داده است. گرتا گرویک با هوشمندی تمام به جای ارائه ی شخصیتی شکننده و ضعیف از بث با بازی الیزا اسکانلن به روی جنبه های دیگر شخصیتی او متمرکز شده است که با توجه به آنچه بالاتر گفته شد، کاری قابل تحسین است! او همچنین با نمایش خاله مارچ (مریل استریپ) تعدیل شده با منطق رفتاری خودش که بار شخصیتش را به ایمی (فلورنس پیو) منتقل می کند کار عالی ای انجام داده است توضیحی که ایمی در دفاع از دلیلش برای ازدواج با یک مرد ثروتمند ارائه می دهد



بیشتری داشته باشد و متقابلاً زمان کمتری برای روایت. زنان کوچک اثری زیبا و لطیف است که حال و هوای این روزهای جهان باعث شده بار دیگر از قفسه‌ها بیرون کشیده شود و با نگاهی نو ساخته شود

نگاهی که درونیات لوییزا می‌اسکات را که با مطالبات دوران جدید هم راستاست به اثر گره زده است تا به فیلم بار معنایی بیشتری ببخشد که نه تنها به خوبی توانسته این کار را انجام دهد بلکه با تبدیل نشدن به اثری شعاری و بیرون‌نزدن پیام‌ها از اثر فیلمی مورد احترام تولید کرده است، که درعین سرگرم

کنندگی حامل نگاهی است که جامعه

ی بشری را به جای بهتری بدل می‌کند.



برخواسته از آن چیزی است که ما از خاله مارچ سراغ داریم و با توجه به وضعیت بد حقوق زنان در آن دوران قابل دفاع است. شخصیت ایمی با حسادتی کودکانه و حسرت بهترین نبودن و در سایه‌ی خواهر بزرگترش بودن قد کشیده است اما در برخورد با عشق، خود را باز پیدا می‌کند و از آنچه خاله مارچ در او ساخته دست می‌کشد شخصیت پردازی او با توجه به محدودیت زمانی در یک اثر سینمایی به خوبی انجام گرفته است.

ما شاهد لحظات درخشان غم و شادی شخصیت جو (سورشا کونان) هستیم از لحظات حضور او در مهمانی و ملاقات با تئودور لوری لورنس (تیموتی شالامی)، تا دورهمی‌های او و خواهرانش، لحظه‌ی دردناک فهمیدن کاری که ایمی با کتابش کرده، خشم او از خواهرش که نزدیک بود باعث شود در رودخانه غرق شود و بسیاری صحنه‌های دیگر که همگی وفادارانه از کتاب اقتباس شده‌اند. گرتا گرویک با قرار دادن دو صحنه‌ی مشابه مرز باریک شادی و غم را با شخصیت جو به نمایش می‌گذارد وقتی که او هر دوبار با تخت خالی خواهر بیمارارش مواجه می‌شود و از پله‌ها پایین می‌رود بار اول می‌بیند خواهرش صبحانه می‌خورد و بار دوم می‌فهمد در گذشته است.

صحنه‌ی تلخ تجدید نظر جو در مورد احساسش نسبت به لوری و نوشتن نامه‌ای برای او که به خبر ازدواج لوری با خواهرش منتهی می‌شود و نهایتاً او خود را کنار می‌کشد و نامه را از بین می‌برد؛ با علم به این که لوییزا می‌اسکات قصد داشته جو تا ابد تنها بماند و اینگونه به کتابش پایان دهد تلخی مضاعفی دارد و دانستن این موضوع تا حدودی از لذت دیدن لحظه‌ی هالیوودی‌ای که ناشر در کتاب او گنجانده می‌کاهد؛ شاید هنوز هم خیلی‌ها از ناشر قدردانی کنند اما حقیقتاً تراژدی اولیه عمیق بیشتری به اثر می‌داد که گرتا گرویک به خوبی پشت پرده‌ی تحمیل پایان خوش را در اثر گنجانده است. او در نمایش تلاش لوییزا می‌اسکات را برای کسب قدرت بیشتر و حق منصفانه روی کتابش نشان می‌دهد که به نوبی نشانگر سرآغاز مسیری است که زنان برای کسب حق منصفانه پیموده‌اند. گرتا گرویک برای نمایش جامعه‌ی از شخصیت هایش تا پایان، تنها به کتاب زنان کوچک بسنده نمی‌کند و کتاب‌های بعدی اسکات را هم در فیلم می‌گنجانند تا همگی به پایانی در خور و قطعی دست یابند که در دوران دنباله‌سازی‌های هالیوودی کاری دور از انتظار و نسبتاً دشوار است که البته باعث شده فیلم لحظات دراماتیک



خانم مدیر عامل

نگاهی اجمالی به زندگی کاری خانم مینا مهرنوش

محل انجام می داد. علاقه ی او به حوزه ی کسب و کار سبب شد تا در سال ۱۳۷۰، در سن ۱۸ سالگی و بلافاصله پس از گرفتن دیپلم وارد عرصه ی کسب و کار شود و نهایتاً یک شرکت ساختمانی تاسیس کند و مدیر عامل آن جا شود و در سن ۱۹ سالگی به جهت گردش حساب شرکت موفق به گرفتن دسته چک!

وی به واسطه ی تحصیلات دانشگاهی، وارد عرصه ی تولید محتوا و قلمزنی برای نشریات پژوهشی، بازرگانی و اقتصاد شده و در شرکت های مشاور تبلیغاتی و مارکتینگ مشغول به کار می شود.

مینا مهرنوش در سال ۱۳۸۰ در سن ۲۸ سالگی موفق به کسب نخستین عنوان دولتی خود، مدیر کل بازاریابی و تحقیقات موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی وزارت بازرگانی وقت، می شود. او بعدها به معاونت توسعه صادرات سازمان توسعه تجارت ایران نیز منصوب می شود. عرصه ای که حضور فعال بانوان را در آن جا شاهد هستیم.

این بانوی ناشر، خوش فکر و کارآفرین ایرانی، در سازمان توسعه و تجارت، دانشگاه تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، کمیته کارآفرینی مجمع تشخیص مصلحت نظام، اتاق اصناف تهران، مجتمع پارمس راه آهن جمهوری اسلامی ایران، موسسه مطالعات بازرگانی وزارت صمت و ... مسئولیت داشته و مشاور مدیرعامل بسیاری از بانک های کشور در

اولین بار که برنامه ی ((میدون)) را از شبکه سوم سیما دیدم، حضور یک بانوی کارآفرین موفق و متخصص در عرصه ی کسب و کار که به عنوان یکی از داوران و مشاوران این برنامه نقش ایفا می

کند برایم تحسین برانگیز بود. قطعاً در کشور بانوان موفق در عرصه ی کارآفرینی و کسب و کار کم نداریم؛ اما حضور یکی از آنان در رسانه خود دلیل خوبیست جهت کنجکاوی بیش تر درباره ی ایشان و سوابقشان.

سوابق

دکتر مینا مهرنوش متولد سال ۱۳۴۲ در اصفهان است. او دانش آموخته ی کارشناسی ارشد توسعه ی اقتصادی و برنامه ریزی و دکتری اقتصاد با گرایش بین الملل از دانشگاه الزهرا(س) و عضو هیات علمی دانشگاه تهران است. این بانوی چهل و هفت ساله، علی رغم جوانی، سابقه ی فعالیت در عرصه ی های تحقیقاتی، مدیریتی و کارآفرینی در تهران و مراکز استان ها را در کارنامه دارد که در اینگزارش به برخی از آنان اشاره می کنیم:

او از کودکی به تجارت و پول درآوردن علاقمند بود و با حمایت پدر در همان سنین کودکی، بسته بندی انواع محصولات و مشاغلی از این قبیل را به همراه بچه های



حوزه بانکداری اینترنتی در دهه هشتاد و نود شمسی بود. ایشان در ۴ شرکت به نام، شرکت گروه خدمات علم و پژوهش نوآور تهران، موسسه خلاقیت و کارآفرینی شایان، شرکت ایده پردازان کسب و کار و شرکت ارتباطات کسب و کار ویرا موسس و عضو هیات مدیره میباشند.

خانم مدیرعامل، نویسنده ۱۱ جلد کتاب در حوزه کارآفرینی، بانکداری و مدیریت خلاقیت در کسب و کار و مدیرعامل مستعفی شرکت رایتل در شهریور ۹۸ است.

رشته تجارت الکترونیک

خانم دکتر مینا مهرنوش پس از اخذ مدرک دکترای اقتصاد، به عضویت در هیات علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران درآمد و فعالیت های آکادمیک خود در عرصه تدریس را از سال ۱۳۸۴ آغاز می کند. نکته جالب این است که یک سال پس از حضور در عرصه دانشگاهی، او خواستار تاسیس رشته کارشناسی تجارت الکترونیک در دانشگاه تهران می شود، او به رسانه ها گفته بود که برای کسب موافقت مسئولین وقت دانشگاه به تاسیس این رشته، بیش از پنجاه جلسه با آن ها مذاکره کرد.

در سال ۱۳۸۵، مسئولان وقت دانشگاه تهران با پیشنهاد راه اندازی رشته تجارت الکترونیک موافق می کنند.

یکی از کارهای خانم مینا مهرنوش در عرصه آکادمیک و فعالیت های تجاری و کارآفرینی، توجه به شرکت های آی تی محور (ICT-ENABLED BUSIENSS) و کارآفرینی دیجیتالی (DIGITAL ENTREPRENEURSHIP) بوده و به همین خاطر، در سال ۱۳۸۵، کتاب «بانکداری الکترونیکی» را می نویسد. این کتاب، بستر خوبی برای مینا مهرنوش می شود که به عنوان مشاور عملیاتی و طراحی شبکه در بسیاری از پروژه های بانکداری اینترنتی (E-BANKING) وارد عمل شود و با بانک های دولتی و خصوصی همکاری کند. او در حوزه استارت آپ ها (START-UP) و شتاب دهنده ها (ACCELERATORS)، تحقیقات و فعالیت های بسیاری کرده و یک دهه است که در این زمینه، فعالیت های خوب و چشمگیری داشته که حوزه تجاری سازی (COMMERCIALIZATION) و مدیریت کسب و کارهای نوپا اینترنتی، از آن جمله است.

ماجرای مدیرعاملی رایتل

مینا مهرنوش مثل میترا استاد و شبهم نعمت زاده از جمله بانوان معروف در رسانه ها در نیمه اول سال نود و هفت بود. بیستم اسفند ماه سال نود و هفت، مینا مهرنوش با تجربه های علمی و پژوهشی و عملی که در حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک اقتصاد دان جوان داشت، به عضویت در هیات مدیره رایتل انتخاب شده و معاون تجاری شرکت شد.

خانم مهرنوش، ۶ ماه پس از ورود به هیات مدیره این شرکت، در تاریخ ۲ شهریور ماه سال نود و هشت، مدیرعامل شرکت خدماتی ارتباطی رایتل می شود. اما سی و پنج روز پس از انتصاب به مدیرعاملی رایتل، به دلیل مصوبه

رگولاتوری و مخالفت سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و با وجود حکم موقت تعلیق دیوان عدالت اداری، از این سمت استعفا داد تا یکی از جنجالی ترین انتصاب ها و استعفاهای سال رونق تولید در شرکت رایتل رقم بخورد.

اما ماجرا از چه قرار بود؟

طبق مصوبه کمیسیون تنظیم مقررات ارتباطات، صلاحیت حرفه ای اعضای هیات مدیره، مدیرعامل و معاونان فنی دارندگان پروانه ارتباطی و فناوری اطلاعات، هنگام انتصاب، بایستی به تایید رگولاتوری برسد. با این حال، مصوبه رگولاتوری توسط دیوان عدالت اداری، موقتا تعلیق شد.

مینا مهرنوش معتقد است که رایتل، با وجود این که یک شرکت سودآور در فضای آی تی ایران است، ۱۷۰۰ میلیارد تومان زیان انباشته دارد و بخش عمده ای از آن به خاطر مصارف نادرست سرمایه گذاری بود که شستا انجام داده و محمد جواد آذری جهرمی که از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۵ در رایتل بود، از تخلفات و سوء مدیریتی ها، آگاه است. او گفته بود که پس از استعفایش از رایتل، همه پروژه های درآمد زا، متوقف شده است.

او از قراردادهای رانتهی به عنوان جایگزین این قرارداد ها در رایتل خبر می دهد. او گفته بود که اسناد تخلفات را در اختیار مراجع قانونی قرار داده است. اجبار مینا مهرنوش به استعفا و گفت و گوی او با یکی از شبکه های تلویزیونی در شهریور ماه ۹۸، بازتاب های گسترده ای پیدا کرد.

*وی در مصاحبه با روزنامه فرهیختگان گفت:

« زن بودن من بزرگ ترین عیب من برای تصدی شغل مدیر عامل اپراتوری بود هیچ یک از معاونان وزیر ارتباطات خانم نیستند.

متأسفانه در کشور ما فضا طوریست که اگر شما حرفی بزنید که درباره ی فساد باشد، بیش تر مورد آزار و اذیت قرار می گیرید.

در حوزه ی زنان هیچ حمایتی از من نشد. متأسفانه حتی موضع گیری و حتی مصاحبه رسانه ای هم صورت نگرفت و این حداقل نیز انجام نشد.»

این چنین بود که اولین مدیر عامل زن اپراتوری ایران مجبور به استعفا از سمت خویش شد و این اولین باری نیست که چنین اتفاقی برای زنان در عرصه های مدیریتی در کشور اتفاق می افتد! به قول خانم *مدیر عامل:

« برای پیش رفتن باید خط شکن بود. باید هنرمند بود. باید هنر تبدیل رویاها به واقعیت رو به دست آورد. قطعا هیچ وقت نمی شود که همه تاییدت بکنند ولی باید تلاش کرد.»

حال و روز سینمای ایران پس از انقلاب

تحول سینمای ایران با انقلاب اسلامی، دچار دگردیسی در موضوعات آن و تغییر جایگاه زنان در سینما همراه بوده است.



روزگاری در سینمای ایران باب بود که اگر کسی فیلم خوب می ساخت با شماتت مردم روبرو می شد و هرچه فیلم بدتر بود فروش بیشتر آن تضمین می شد. گویا این دهه هم نیز کم از آن دوران ندارد. به نظر می رسد که فیلم سازان قواعد و فرم ساخت یک فیلم استاندارد را فراموش کرده یا چنین طریقی را در پیش گرفتند که فروش را بر کیفیت بیشتر ارجعیت می دهند. با توجه به محتوای اصلی بیشتر فیلم های این روزها در می یابیم که در ارتباط با موضوع زنان است. زنان نقش اصلی و حضوری چشمگیر در فیلم ها ایفا می کنند به طوری که حالا می شود از آن به عنوان یک سبک به نام سبک سینمایی زنان یاد کرد.

به همین خاطر است که موضوعاتی در باب روابط چند زنی و عشق زمینی و ازدواج موقت، دختران فراری و به طور کلی درام های اجتماعی در سینمای ایران زیاد به چشم می خورد.

کمی به عقب برگردیم در اوایل دهه ۶۰ کمتر به چشم می خورد که زن نقش اصلی باشد و درام را پیش ببرد. لازم به ذکر است که شرایط و بحران جنگ و نقش پررنگ مردان در آن دوره بر این روند بی تاثیر نبوده است. در دهه ۷۰ حضور زنان نسبت به قبل مهم تر و جدی تر شد. کارگردانان زنی پا به عرصه گذاشتند که حضور آنها در سینما را می توان یکی از قوی ترین دلایل پررنگ شدن نقش زنان و پرداختن به مسائل و معضلات مربوط به زنان در سینمای ایران دانست. اما در اواسط دهه هفتاد ۷۰ سینمای ایران دستخوش تغییراتی نیز شد. آزادی هایی که به سینما گران داده شده بود و دست آنها را برای کارهایی که قبلا خط قرمز شمرده می شدند باز کرده بود و می توانستن مسائل و مشکلات بسیاری را در این حوزه مطرح کنند و فیلم هایشان رنگ و بوی جدی تر به خود بگیرد. همچنین شاهد نظر مثبت مخاطبان به این گونه سبک فیلم ها و استقبال آنها بودیم.

در دهه ۸۰ دیگر شاهد برابری زن و مرد در سینمای ایران بودیم و زنان همانند مردان حضوری سرشار داشتند و دیگر خبری از تفکیک جنسیتی نبود. ناگفته نماند که بعضی از معضلات مانند پرداختن به مسائل و مشکلات ترنس ها اتفاق جدیدی است که در این دهه رخ می دهد.

اما امروزه یعنی در دهه ۹۰ شاهد نوعی دگردیسی در سینما و همینطور در کلمه ی زن هستیم، زنی که در دهه های قبل به عنوان یک همسر خوب یک مادر نمونه و یک زن مستحکم از آن یاد می شد امروزه تبدیل به زنی شکننده و ناتوان در غالب و پوشش مفاهیم جنسی؛ زنی که ترس از رها شدگی دارد، تعریف می شود، اما چرا؟ اگر مسئله غرب زدگی ست، بهتر است که حداقل مفاهیم خوب را از غرب یاد بگیریم. در سینمای غرب یا هالیوود می بینید که اکثر شخصیت های قهرمان، ناجی بشریت و افراد قدرتمند در فیلم از زنان انتخاب شده است.

پس چرا در سینمای ما که نماد جامعه مسلمان و زنان مسلمان است و افراد و علل الخصوص زنانی که بعضا با دین ما آشنایی ندارند اگر پای فیلم های ما بنشینند چه عایدشان می شود؟ جز اینکه زن مسلمان فقط یک زن غمگین و صرفا عاشق پیشه است؟ آیا این جلوه خوبی برای نمایش زنان مسلمان است؟؟؟

امید است که سینمای ایران و سینمای مسلمان با تغییری شگرف روبه رو شود و زن همان معنای سابق ایشار و اعتماد و استحکام و قهرمان گونه ی خود را بگیرد.





سرویس خبر:



طرح تسهیل خروج بانوان نخبه از کشور در صورت مخالفت همسر

زهرا ملونتی پور



طبق قانون گذرنامه بند ۳ ماده ۱۸، زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری با اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از

قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است. زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده‌اند از شرط این بند مستثنی می‌باشند.

این قانون در چند سال اخیر باعث مشکلاتی برای شرکت بانوان ورزشکار کشور در مسابقات جهانی ایجاد کرده است. نخستین بار در سال ۱۳۹۴ همسر خانم نیلوفر اردلان، کاپیتان تیم ملی فوتسال بانوان با خروج از کشور ایشان مخالفت کرد و باعث ممنوع الخروجی کاپیتان تیم شد.

نیلوفر اردلان همان روزها گفت: من از طریق انجمن حقوق زنان، پیگیر این موضوع خواهم بود، من برای تفریح به خارج از ایران نمی‌روم، هدفم اعتلای پرچم و کشورم است. ولی با وجود تمام اعتراضات و پیگیری‌ها او نتوانست به مسابقات قهرمانی آسیا برسد و از آن جا ماند.

یک سال بعد در سال ۱۳۹۵ همسر زهرا نعمتی عضو تیم ملی تیراندازی با کمان بانوان معلول ایران اعلام کرد که به دلیل مخالفت کردن با دادخواست طلاق او به عنوان همسر از فدراسیون جانبازان و معلولین و فدراسیون تیر و کمان درخواست دعوت نکردن از وی برای اردوهای تیم ملی را کرده است و در پی این درخواست خانم نعمتی را ممنوع الخروج کرد تا در هیچ تورنمنت برون مرزی نتواند شرکت کند.

مشکل زهرا نعمتی در نهایت حل شد و وی توانست در مسابقات بین المللی شرکت کند اما این قانون تبدیل به اهرم فشار توسط همسر ورزشکاران خانم برای شرکت کردن آنها در مسابقات خارج از کشور شد. اعضای فراکسیون زنان مجلس برای جلوگیری از تکرار این دست از اتفاقات، اصلاحیه ای بر بند ۳ ماده ۱۸ قانون گذرنامه زدند. بر اساس این اصلاحیه، زنانی که خواهان حضور در المپیادهای علمی، اقتصادی، ورزشی و فرهنگی هستند در صورتی که همسرشان اجازه خروج از کشور را به آنها ندهد با مجوز دستگاه ذیربط یا دادستان یا دادگاه صالحه می‌توانند

از کشور خارج شوند. این طرح در ۱۴ مرداد ۱۳۹۷ در



اکنون اگر همسر خانمی اذن خروج از کشور را به وی ندهد تنها با اجازه دادستان می تواند از کشور خارج شود و مرحله‌ی مثل دستگاه ذیربط و دادگاه صالحه برای آنان وجود ندارد.

سیاوشی ادامه داد: این طرح برای بررسی نهایی به صحن مجلس ارجاع شده و اگر تصویب نهایی و شورای نگهبان هم آن را تایید کند در کشور اجرایی می شود.

پروانه سلحشوری عضو فراکسیون زنان مجلس نیز به عنوان دیگر طراح این طرح اظهارداشت: ما باید شرایط را برای حضور زنان در میادین ورزشی، فرهنگی و علمی تسهیل کنیم که این طرح می تواند در این روند بسیار تاثیرگذار باشد.

وی اذعان داشت: ما می خواهیم این شرایط را برای تمامی زنان فراهم کنیم و فقط این موضوع برای عده ای از زنان نخبه، ورزشکار و هنرمند نباشد. ما نمی خواهیم مردان حربه ای داشته باشند تا بتوانند مانع فعالیت های مختلف آنان شوند.

این طرح در نوبت بررسی مجلس قرار دارد و برای تصویب و رسیدن آن به شورای نگهبان باید از صحن علنی مجلس عبور کنیم که شامل ۱۷۲ نماینده مرد هم می شود. آیا مردان مجلس به این طرح رای می دهند؟

جلسه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با رای بالای اعضای آن تصویب شد و در دستور کار بررسی در صحن علنی خانه ملت قرار گرفت.

طیبه سیاوشی نماینده مردم تهران و از طراحان این طرح معتقد است که: یکی از مشکلات این است که زنان نخبه ورزشی یا علمی به دلایلی مانند اختلاف با همسر، حتی اگر این اختلاف کوچک باشد، نمی توانند از کشور خارج شوند، در حالی که آنها اگر در میادین علمی یا ورزشی حضور یابند، می توانند منافع ملی کشور را فراهم کنند. برای مثال این مشکل برای نعمتی قهرمان تیر و کمان ایجاد شد و همسرش اجازه خروج را به وی نداد؛ این مساله حاشیه های زیادی را ایجاد کرد و در نهایت دادستان به خانم نعمتی اجازه خروج از کشور را داد.

وی به تصویب این طرح در کمیسیون امنیت ملی مجلس اشاره کرد و اظهار داشت: تصویب این طرح بدان معنا است که اگر در وهله اول دستگاه ذیربط اجازه خروج آنان از کشور را نداد، آنها از طریق دادستان می توانند از کشور خارج شوند و اگر دادستان نیز دستور خروج از کشور را نداد از طریق دادگاه صالحه می توانند اقدام کنند و حکم بگیرند.

عضو فراکسیون زنان مجلس دهم خاطرنشان کرد: هم

زنان در مدیریت دولتها

در کدام کشورها زنان در عرصه مدیریت پیشرو هستند؟



با بررسی نقش زنان در مدیریت کلان کشورها متوجه می شویم که در سال ۲۰۲۰ در جهان ده دولت با اکثریت زنان در کابینه خود تشکیل شدند. این دولت ها در کشورهای اروپایی و آمریکای مرکزی و جنوبی با جلب اعتماد سیاسی و داشتن قدرت اجرایی بالا توانستند بیش از ۵۰ درصد از اعضای کابینه را با زنان تشکیل دهند. اسپانیا از ۱۵ کرسی خود ده تای آنها متعلق به زنان می باشد که نشان دهنده این است که ۶۶.۷ درصد از قدرت سیاسی و قدرت اجرایی به دست زنان کشور است که بیشترین قدرت را در بین این ۱۰ کشور دارد. فنلاند دومین کشور در این لیست است که با داشتن یازده وزیر زن و هفت وزیر مرد انتخاب شده توسط جوانترین نخست وزیر جهان، سانا مارین، ۶۱.۱ درصد از قدرت در اختیار زنان است. نیکاراگوئه بزرگترین کشور آمریکای مرکزی، اولین کشور آمریکایی که زنان توانستند در آن اکثریت اعضای دولت را

کسب کنند در حال حاضر ۱۰ تن از ۱۷ زنان تشکیل می دهند یعنی ۵۸.۸ درصد را در صد قدرت دست بانوان است.

دولت کنونی کلمبیا یازده صندلی را از ۱۹ نفر کابینه خود به زنان داده شده است. معادل ۵۷.۹ درصد کابینه به دست زنان است.

زنان در اتریش ۵۷.۱ درصد از کرسی ها را تشکیل داده اند یعنی ۸ صندلی از ۱۴ سمت اجرایی و تصمیم گیری موجود در این کشور.

در کشور پرو در آمریکای جنوبی هم زنان با کسب ۵۵ درصد از کابینه یعنی ۱۱ وزیر زن در مقابل ۹ وزیر مرد اکثریت دولت را تشکیل دادند.

اکثر امور اجرایی و سیاسی در کشور رواندا، یکی از کوچکترین کشورهای آفریقایی مرکزی به دست زنان آن است.

از کابینه ۲۸ نفری این کشور، ۱۵ وزیر آن زنان می باشند معادل ۵۳.۶ درصد.

آلبانی یکی از کشورهای کوچک و فقیر اروپای شرقی، در آن ۵۳.۳ درصد امور دولت را به زنان واگذار کرده است. ۸ وزیر از ۱۵ وزیر این کشور زنان هستند.

آخرین کشور این لیست فرانسه است که در آن زنان با قدرت ۵۲.۹ درصد اکثریت دولت فرانسه را در دست دارند. در ۱۷ نفر کابینه این کشور ۹ وزیر زن وجود دارد از جمله وزیر دفاع فلورانس پارلی.



رهبران زن جهان در کرونا

کشورهایی که رهبری‌شان به دست زنان سیاستمدار بوده در مقایسه با کشورهایی که توسط مردان اداره می‌شوند، چگونه از شرایط کرونا گذر کرده‌اند؟



زهرا ملکوتی پور

در شرایطی که تمام کشور های دنیا دچار بحرانی به نام ویروس کرونا شدند، کشورهایی بودند که با رهبری این بحران و به کار بردن بهترین راه حل توانستند موفق به مبارزه با کرونا شدند و شرایط کشور خود را بهبود بخشیدند و آسیب و خسارت کمی به کشورشان وارد شد. کشورهایی که رهبری بحران آن به دست بانوان سیاستمدار بوده است به نحو مطلوبی از این شرایط گذر کردند برخلاف عمده کشورهایی که به دست مردان سپرده شده بود. آلمان، تایوان، نیوزلند، دانمارک، نروژ، فنلاند، ایسلند ۷ کشوری که با رهبری زنان توانستند این بحران را به بهترین نحو مدیریت کنند.

(۱) تایوان

«تسای اینگ ون» رئیس منطقه تایوان بهترین عملکرد را در مقابل ویروس کرونا داشت. در ماه ژانویه با ظهور اولین نشانه های بیماری در کشورش ۱۲۴ دستورالعمل برای توقف ویروس کرونا صادر کرد. او از قرنطینه سفت و سخت که یکی از روش های رایج استفاده نکرد. در این منطقه فقط ۶ مرگ بر اثر کرونا اعلام شده است.

(۲) نیوزلند

«جاسیندا آردن» نخست‌وزیر نیوزلند به سرعت همه جا را قرنطینه کرد و با شفافیت در اطلاع رسانی، زنگ هشدار را به صدا درآورد. فقط با شناسایی شش مورد مبتلا تمام افراد خارجی را قرنطینه خانگی کرد و از ورود همان مسافران خارجی جلوگیری کرد. در ماه آوریل در این کشور، فقط ۴ فوتی بر اثر کرونا گزارش شده است و قرنطینه در این کشور برخلاف بسیاری از کشورها همچنان ادامه دارد.

(۳) ایسلند

ایسلند تحت رهبری نخست‌وزیر «کاترین یاکوبسدوتیر» تست های رایگان ویروس کرونا را به همه شهروندان خود ارائه می دهد. در شناسایی افراد مبتلا و جلوگیری از شیوع

«ارنا سولبرگ» نخست وزیر نروژ

«کاترین یاکوبسدوتیر»
نخست وزیر ایسلند



۵) نروژ

«ارنا سولبرگ» نخست وزیر نروژ از ایده خلاقانه‌ای برای گفت‌وگوی مستقیم با کودکان کشورش از طریق تلویزیون استفاده کرده به سوالات کودکان به صورت آنلاین پاسخ داد. او در این گفت و گو با حس مادرانه و شفافیت باعث شد تا مردم هراسان، احساس آرامش و راحتی داشته باشند.

در مجموع احساس همدلی توسط رهبران این کشورها با مردمشون چیزی است که در برخورد با این بحران تبدیل به نکته طلایی شد این احساس را با برخورد رهبران مرد جهان مقایسه کنید. سرزنش دیگران، برخوردهای قضایی، دعوا با رسانه و محکوم کردن آن به دروغ‌گویی که بیشتر باعث ایجاد تشویش و اضطراب در جامعه آنها شد برخلاف جوامع با رهبران زن که با احساس همدلی و مهربانی باعث می شوند در این شرایط آرامش و دلگرمی داشته باشید. چه کسی فکر می‌کرد در این بحران سخت رهبران زن چنین واکنش‌های مثبت و خوبی نشان دهند؟

آن به دیگران و داشتن آمار واقعی از افراد مبتلا و مرگ و میرهای ناشی از کرونا این نکته مهم نیست. تاکنون بیش از ۵۰ میلیون تست در ایسلند با جمعیت حدود ۳۶۰ هزار نفری گرفته شده است. کار جالب جوانترین نخست وزیر جهان استفاده از اینفلوئنسر های اینستاگرام برای اطلاع رسانی به مردم است او تمام افراد را جمع کرد و از آنها خواست اطلاعات درست و دقیق به مردم بدهند. با این باور که مردم اخبارها و آژانس‌های خبری دنبال نمی‌کنند.

۴) آلمان

«آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان صریحاً هموطنان خود گفت این ویروس یک مشکل بزرگ است و می‌تواند ۷۰ درصد جمعیت را مبتلا کند و این یک مشکل جدی است و باید جدی گرفته شود. تست کرونا در این کشور از همان ابتدا شروع شد و مراحل انکار، خشم، سرزنش، سرکوب و چیزهایی از این قبیل که در دیگر کشورها دیده شد در این کشور وجود نداشت و سریعاً مراحل شناسایی بیمار و قرنطینه انجام شد و آمار مبتلایان در کشور آلمان از بسیار کمتر از همسایه های اروپایی اش اعلام شد.

«جاسیندا آردن»
نخست‌وزیر نیوزلند

«آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان



درخشش بانوان در فوتسال

بانوان ایرانی در فوتسال هم قابلیت‌های خود را به دنیا نشان دادند.



این روزها خبرهای خوشحال کننده زیادی از پیروزی‌ها و موفقیت تیم ملی فوتسال بانوان می‌شنویم.

تیم فوتسال بانوان ایران اولین بار در سال ۱۳۸۴ برای شرکت در مسابقات قهرمانی فوتبال زنان غرب آسیا تشکیل شد. نخستین بازی خود سال را در رشت و مقابل تیم ملی آذربایجان انجام دادند که برد هفده به هشت انجامید. اما درخشش بانوان ایرانی فوتسال از سال ۲۰۱۵ و در مسابقات قهرمانی فوتسال زنان آسیا آغاز شد. در این مسابقات با برتری در مقابل ژاپن به نخستین جایزه خود دست پیدا کرد. فرشته کریمی هم جایزه بهترین بازیکن بازی های قهرمانی فوتسال بانوان آسیا را دریافت کرد.

۳ سال بعد در سال ۲۰۱۸ در مسابقات فوتسال بانوان آسیا برای بار دیگر ژاپن را شکست داد و به دومین قهرمانی خود دست پیدا کرد. در این تورنمنت آسیایی سارا شیربیگی با زدن ۹ گل و پاس گل بیشتر، هت تریک بیشتر از فاطمه اعتدادی و آنا آشیمپرو (بازیکن ژاپن) رقیبان این عنوان توانست تندیس خانم گل

مسابقات قهرمانی فوتسال زنان آسیا را کسب کرد. در این مسابقه فرشته کریمی نیز زدن شش گل بعد از ساچیپیا (بازیکن تایلند) به عنوان سومی در گلزنان جدول این دوره از مسابقات رسید.

سایت معتبر فوتسال پلنت هر ساله نام بهترین های فوتسال جهان را اعلام می کند. در لیست ۲۰۱۹ این سایت نام دروازه بان تیم ملی فوتسال بانوان ایران، فرزانه توسلی به چشم می خورد. در بین داوران فوتسال پلنت نیز نام گلاره ناظمی هم دیده می شود. امیدواریم باز هم شاهد موفقیت ها و قهرمانی های بیشتری از این تیم قوی باشیم.



Do the job *HE* left behind



از روزی که اروپاییها، صنایع جدید را به وجود آوردند - در اوایل قرن نوزدهم که سرمایه‌داران غربی کارخانه‌های بزرگ را اختراع کرده بودند - و احتیاج به نیروی کار ارزان و بی‌توقع و کم‌دردسر داشتند، زمینه «آزادی زن» را بلند کردند، به عنوان یک کارگر ارزان از او استفاده کنند، جیبهای خودشان را پر کنند و زن را از کرامت و منزلت خود بیندازند. ۱۰ بیانات رهبرانقلاب ۱۳۷۱/۹/۲۵